

درباره «القاء ایدئولوژی»

نورالدین
کیانوری

ادعاهای واقعیتهای

این مقاله برای شماره ۱۰-۹ مجله «دنیای» تهیه شده است. از آنجا که تا انتشار این شماره مجله مدتی به طول خواهد انجامید، متن آن در شماره امروز نامه مردم به چاپ می رسد.

هر کسند این جور مردم را گویند و این نیت را دردم شکست و بعد از آن چند کتبه دادیم؟
... این تجربه تلخ را دردم و ملت ایران این تجربه را دارد و در این مدت همیشه توی سر ما زدند حتی مرا محکوم کردند روزاوری که مرا به کمی بردند کمی جرها گفتند این یک آخوند کمونیت است پس معلوم میشود با این شعار می خواهند هرنفستی را بکنند. (از سخنرانی فقید سید آیت الله طالقانی در شب اربعین (دیماه ۱۳۵۷)، نقل از کتاب طالقانی و تاریخه تألیف میرام افراسیاب وسعید دهقان)

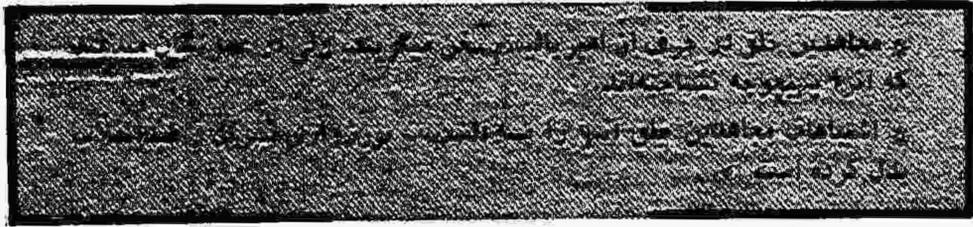
فهیتم که برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیت الله بروجردی آتقدیر نامه های تهدید آمیز نوشته اند ولی خوب ما مردانیم، نمیخواهم بگویم اینها حال اینها بوده است، مال آقایان کمونیتها بوده است، بعد هم فهیتم مشتاش از کجاست ولی به این اسم هم روحانیت و هم توده مردم را ترسانند یعنی کمونیت ضدخدا، ضددین، ضدنبوت، ضد وحی، می خواهند یابد دین شما را ازین بربد، استعمارگران را ترسانند که این کتور میروند ضمیمه شود به کتورهای کمونیت و منافع شما ازین میروند. در این میان بکمنت اوباش را رامانداختند با یک منت قزاقها و قلدهائی که الان هم هنوز همانندش هستند و سرودها

آیت الله طالقانی:

مگر همیشه ما را با این جملات تکویدمانند؟ جماعت خطر کمونیت، ۲۸ مرداد هم ما را با این جملات گویدند، همین مسجد در همین جا تیسریم را گفتیم. من در ۲۸ مرداد در ده بودم، آنجا وسیله روزنامه رادویو و اینها آتوقت نبود، شنیدم که کودتا شده و دکتر مصدق سقوط کرده و دولتی سقوط کرد. سرعت آمدن تهران، وقتی آمدیم در همین محراب و همین مسجد همین حاج ابراهیم خوسفان (خادم مسجد هدیات) که آتوقت مشهدی ابراهیم بود وحالا

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۲
شماره ۲ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۵ صفر ۱۴۰۱، به ۱۵ ریال

هشدار به مجاهدین خلق



مجاهدین خلق بهرام خرناسکی کام نهادند، راهی که پیش رفتند بیسود انقلاب و تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای آن نیست، فقط - آنگونه که مجاهدین بدان معتقد هستند - علیه سيطرة امپریالیستی پس کشور ما و وابستگی های مملکت به سیستم جهانی سرمایه داری توجیه نیست، بلکه درست بسود توطئه های امپریالیسم آمریکا، سرسپردگان و بیرون داخلی آن، و به زیان استقلال و آزادی مردم ایران تمام میشود. -
مجاهدین خلق ایران، در مجموع خود از زمره اقلیت و طبقاتی هستند که در قطع سيطرة

پاسخ دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا در مورد شرایط آزادی «گروگانها» منتشر شد
شرایط دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا در مورد شرایط آزادی «گروگانها» منتشر شد
شرایط دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا در مورد شرایط آزادی «گروگانها» منتشر شد
شرایط دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا در مورد شرایط آزادی «گروگانها» منتشر شد

تبریک
کمیته
مرکزی
حزب
توده
ایران
به فیدل
کاسترو

رفیق ارجمند فیدل کسترو، دیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیت کوبا
موفقت دومین کنگره حزب کمونیت کوبا و همچنین انتخاب مجدد شما را به سمت دیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیت کوبا، به شما، به کمونیت کوبا و به خلق کوبا صمیمانه تبریک میگویم و کامیابی یازدهم بیشتری را برای شما، کمونیت کوبا و خلق کوبا در کار سزخته برای تحکیم سوسیالیسم در جزیره آزادی آرزومندیم.
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیر اول: نورالدین کیانوری
(۱۳۵۹/۱۰)

یک پادگان نظامی، ترمینال نفتی و یک اسکله در جنوب شرقی عراق بمباران شدند

آشپزخانه سحرایی و ۴ خودروی دشمن نابود شدند حدود ۴۰ تن از پرسنل دشمن کشته و زخمی شدند.
۲- در جبهه آبادان و ماردند حمله توپخانه یکانهای ما چندین سنگر دشمن را نابود و تعدادی از مزدوران صدام تکریمی را کشته و زخمی کردند، که از تلفات دشمن آمار دقیقی در دسترس نیست. - ۳- در جبهه سوسنگرد، بقیه در صفحه ۷

پس از گذشت بیش از یکماه از تاریخ اعلام شرایط پیشنهادی مجلس شورای اسلامی ایران برای آزاد شدن «گروگانها»، دولت آمریکا پاسخ خود را در ۱۳ آذرماه ۵۹، از طریق دولت الجزایر به دولت ایران تسلیم کرد. متن این پاسخ هنوز انتشار نیافته است، ولی پاسخ مجدد ایران به دولت آمریکا که از طریق دولت الجزایر فرستاده شد و متن کامل آن در تاریخ ۳۰ آذرماه ۵۹ توسط آقای بهزاد نبوی سخنگوی دولت و وزیر مشاور در امور اجرائی، منتشر گردیده نشان میدهد که دولت آمریکا بیچوجه درصدد برآوردن خواسته های بحق و منطقی دولت ایران نیست و به روش هیشکی خود یعنی روش باجگیری و معامله یکطرفه، یعنی گرفتن همه چیز در مقابل دادن هیچ، توسل جسته است. این پاسخ نشان میدهد که تا چه حد دغاوی امپریالیسم آمریکا و گردانندگان سیاست دولت آمریکا در دلسوزی برای «گروگانها»، پوچ و بیرحمی و در واقع پوششی بقیه در صفحه ۴

در صفحات بعد
اولین کنگره حزب کمونیت کوبا به کار خود پایان داد
کوبا قاطعانه به سوی سوسیالیسم پیش می رود
کشاورزان دهستان مهربان برای دفاع از میهن انقلابی آماده اند
هیئت هفت نفری باید فعال باقی بماند و با قاطعیت کار خود را ادامه دهد
کثری به روستای تیربج
کارگران حصیریائی بروجرد: زن و مرد، پیروجهان باید آموزش نظامی ببینند

مردم شوروی پشتیبانی خود را از انقلاب ایران ابراز میدارند

انصارهای امپریالیستی، که زمانی در ایران فعال میباشند بودند، مدتها سعی می کردند تا از ایران بتوانند منبع ارزان نفت استانه کنند. آنها همچنین میکوشیدند تا از اکتشاف دیگر ذخایر طبیعی کشور و بهره برداری از آنها جلوگیری بعمل آورند. اگر کمک اقتصادی - فنی ایجاد شوروی، تضمین کشور سوسیالیست جهان نبود مردم ایران اکنون نیز فاقد کارخانه ذوب آهن و صنعت ذغال سنگ بودند و از وجود لوتربایم که در درون خاک

رژیمندگان جمهوری اسلامی ایران با رشادت و دلوری به مبارزه با تجاوزگران صدام در تمام جبهه ها ادامه می دهند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۴۴ خود شرح گوسهای از عملیات دلاوران ارتش در روز یکشنبه را به اطلاع رسانید. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:
در جبهه های غرب
۱- در منطقه ارتفاعات دماوند درازه در اثر آتش توپخانه و خمپارماننداز رژیمندگان بیگانه از نیروی زمینی ارتش جمهوری
جبهه اسلام هاشمی رهنما در روز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:
انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراق دست به توطئه جدیدی بزند
* آمریکا با همه قدرتش علیه انقلاب ایران تلاش کرده و باز هم خواهد کرد

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لیبرال کیست؟

لیبرالها، مدافع سرمایه‌داری و قارت و استثمارزحمتکشان هستند. آنها جرات آنرا ندارند که صریحا این عقیده خود را مطرح سازند، اما گاه و بیگاه اینجا و آنجا بیات واقعی خود را در پرتش‌های مختلف بیان می‌آورند. و امکان می‌دهند که چهره واقعی آنها را از روی دماغی گوناگون بینمایند. اینهم نمونه‌هایی دیگر از مقاصد اصلی لیبرالها:

«کار جهانی رسیده است که اینترنشنال استولون مبارزه با سرمایه‌دار مرفی می‌شود»

(میزان، شماره ۸، مهی چهل‌تمی)
همه کارفرمایان شیطان‌صفت و مستکبره نیستند.
 (میزان، ۳۰ آذرماه ۵۹)
مستضعف یعنی فقیر و بیچاره و مسکین نیست.
 (همانجا)

چنانکه از نظریات لیبرالها معلوم می‌شود، آنها فقط معتقدند که بخشی از کارفرمایان، تیکس‌صفت و غیر مستکبرانه، بلکه همچنین بی‌دانش نمی‌آید که آنها را مستضعف هم معرفی کنند. آنها می‌گویند تا مرز میان مستضعفین و مستکبرین را برهم بزنند و مردم کوچه و بازار و جنوب شهر را با کارفرمایان و بازاریان و سازوکارهای مستکبره مخلوط کنند و سرانجام خود به لیس مستضعف درآیند!

از گرداندگان می‌زان باید پرسید که آیا حاضرند دماغی خود را به محک واقعیت بزنند؟ بسیار خوب، آیا آقایان می‌توانند ۱۰ کارفرمای فقرتصفت و مستضعف نام ببرند، که کارگران آنها از «سرمایه‌های فروزان» آنان درغداپ نباشند؟

پاسخ دولت ایران ...

قیه از صفحه ۱

برای مقاصد فائزگانه انحصارات آمریکایی بوده است. شرایط مجلس شورای اسلامی ایران برای آزاد کردن «گروگان‌ها» که یکسال استعمال بلندگوهای تبلیغاتی آمریکایی و علم سرمداران سیاست دولت آمریکا، و نیز لیبرالها و سازشکاران داخلی برای آنها دل می‌سوزاندند، آنچنان عادلانه و منطقی بود که حتی مقامات آمریکایی نیز نتوانستند ایرادی بر آنها وارد سازند. ولی واقعیت آنست که سیاست آمریکا در حقوق بشر و «فلسفان‌دوستی» تعیین نمی‌کنند، بلکه این انحصارات فائزگر آمریکایی هستند که برای انبساط مواضع فائزگانه خویش در ایران انواع طوطی‌ها را علیه انقلاب ایران تربیت می‌دهند. انواع مداخلات راه از تجاوز نظامی تا کودتاسازی و تحریک کشورهای مستضعف به جنگ علیه ایران، سازمان می‌دهند و «گروگان‌ها» را بهانه‌ای برای استار جنایات خویش بدل کرده‌اند. درواقع پاسخ دولت آمریکا به شرایط عادلانه دولت ایران نیز توسط همین محافل نوشته شده‌است و نشان می‌دهد که آمریکایی‌های آمریکایی هنوز عادت نکرده‌اند و نمی‌خواهند با جمهوری اسلامی ایران چون یک کشور مستقل و نه دست‌نشانده مانند دوران حاکمیت رژیم مغزور پهلوی- روبرو شوند.

در پاسخ اخیر ایران به دولت آمریکا آمده است:

«تصديقات پشتیبانی دولت مزبور، پاسخگوی کلیه موارد مورد نظر مجلس شورای اسلامی ایران نیست و در برخی موارد نیز، لایحه اصلاحاتی در پیشنهادها و تفسیراتی در روش‌های اجرایی دارد و تنها با این اصلاحات و تفسیرات است که می‌توان تصدیقات مزبور به عنوان حداقل لایحه برای دولت جمهوری اسلامی ایران قابل قبول گردند»

چنانکه از پاسخ دولت ایران برمی‌آید، دولت آمریکایی‌نشینین شرط مجلس شورای اسلامی ایران، یعنی شرط تصد عدم مداخله در امور ایران را چنان تغییر داده است که نتواند به روش‌هایشکی، به مداخله در امور ایران و هوته علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بپردازد. عملی که هرگز با تمام قوا پیگیری می‌شود.

امریکایی‌های آمریکایی مؤذنه‌اند قید «از این پس» را در مورد عدم مداخله در امور داخلی ایران برداشته‌اند و بجای آن تشنساتی دولت جمهوری اسلامی ایران را قرار داده‌اند؛ بدین معنی که آنها روش گذشته، اکنون و آینده خود را نسبت به ایران، یکسان و نامورد کرده و تنها به تشنساتی دولت ایران (که آمریکایی‌ها می‌بازارند یا ایجاد دولت «آزاد» بختیار، آنرا پس بگیرند) بستند کرده‌اند.

این پاسخ بخوبی روشنگر و اثباتگر این حقیقت است که آمریکایی‌های آمریکایی یکی به کفش دارند و دیوانه نمی‌خواهند و نمی‌توانند تصد کنند که «از این پس» در امور داخلی ایران مداخله نوزده، آیم دست در شرایطی که تمام قوا خود را برای تدارک توکل‌های ملیتی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، هیچ کرده‌اند.

پاسخ دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا، با طرح حداقل شرایط و تضمینات، پاسخی منطقی و معقول است: سرحد، تعیینی بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار توسط آمریکا در ازای حداقل ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌های ایران نزد بانکهای آمریکایی و اموان فائز ایران توسط شاه ملوم، که نزد بانکهای آمریکایی نگهداری می‌شوند، برای دولتهای مردمی که روابط خود را با دیگران براساس برابری و عدالت تنظیم می‌کنند، تضمین قابل قبولی است، اما برای فائزگرانی که دنیا را ملک طلق خود می‌دانند و جز منطق راهزن سر گردنه، منطقی نمی‌توانند بیشک شرایطی فقیرمنطقه خواهد بود و این پاسخی است که فلسفی، وزیر امور خارجه آمریکا، در قابل‌پیشنهادهای اخیر ایران، عنوان کرده است.

پاسخ دولت آمریکا در قابل موضع اصولی و منطقی دولت و مجلس ایران، بیشک حقانیت دولت ایران را در برابر افکار صوملی جهان بیشتر به اثبات خواهد رسانید و منطق گرگ هاز آمریکایی را بیشتر متضع خواهد ساخت.

بیشک استماع دولت آمریکا از این که تصد کند «از این پس» در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد، برهمنانگی این آمریکایی جهانخواه به موازین بین‌المللی را بیشتر آشکار خواهد ساخت و امتناع وی از استرداد حقوق مردم ایران، که با توسط راکفلرها و یا سمبدرها و اموان و انصارش، قارت شده‌اند، آمریکا را بیش از پیش در انظار جهانیان رسوا خواهد کرد.

شاید آمریکایی آمریکا به این زودیا به خواستهای ایران تن ندهد، اما موضع دولت و مردم ایران در قابل آمریکایی‌جهانخواه و متجاوز آمریکا همین باید باشد.

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، بکار خود پایان داد کوبا قاطعانه به سوی سوسیالیسم پیش می‌رود



دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، که از تاریخ ۲۶ اذر ۵۹ در هارنا پایتخت این کشور، با حضور ۱۸۰۰ تن و شرکت ۱۴۰ هیئت نمایندگان از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در پایان کار، کنگره قطعنامه‌های رادزیزینه سیاست خارجی کوبا به تصویب رسانده که در آن سیاست خارجی کشور را بر پایه اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند باقی‌مانده‌های کوبینی و کارگری و انقلابی در سراسر جهان مشخص می‌کند. در قطعنامه همچنین مسئولیت حفظ تسخیر در سطح جهان بعهده آمریکایی‌ها و در راس آن آمریکایی‌ها گذاشته شده و سیاستی جنگ‌افروزانانه و برتری طلبانه زهران یکن، که منجر به آسیب فراوان به جنبش انقلابی جهان گشته است، محکوم گردیده است.

کنگره حزب کمونیست کوبا همچنین با توافق آراء یکی از مهمترین اسناد کنگره یعنی رهنمودهای توسعه اقتصادی-اجتماعی کوبا را برای پنج سال ۱۹۸۵ - ۱۹۹۱ به تصویب رسانید.

سیاست خارجی کوبایی
 در قطعنامه‌های که برآمده از سیاست خارجی کوبا در پایان کار دومین کنگره حزب کمونیست این کشور به تصویب رسیده است، در راس آن سیاست خارجی کوبا به تصویب رسیده است. در این قطعنامه، کنگره حزب کمونیست کوبا، که حزب رهبری آنرا در دستخواره، کمالاتان به تلاش خود در سمت تحکیم هرچه بیشتر پیوندهای برادرانه با دیگر احزاب، حکومتها و ملت‌های جامعه سوسیالیستی، ادامه خواهد داد.

سیاست خارجی کوبایی
 در قطعنامه‌های که برآمده از سیاست خارجی کوبا در پایان کار دومین کنگره حزب کمونیست این کشور به تصویب رسیده است، در راس آن سیاست خارجی کوبا به تصویب رسیده است. در این قطعنامه، کنگره حزب کمونیست کوبا، که حزب رهبری آنرا در دستخواره، کمالاتان به تلاش خود در سمت تحکیم هرچه بیشتر پیوندهای برادرانه با دیگر احزاب، حکومتها و ملت‌های جامعه سوسیالیستی، ادامه خواهد داد.

سیاست خارجی کوبایی
 در قطعنامه‌های که برآمده از سیاست خارجی کوبا در پایان کار دومین کنگره حزب کمونیست این کشور به تصویب رسیده است، در راس آن سیاست خارجی کوبا به تصویب رسیده است. در این قطعنامه، کنگره حزب کمونیست کوبا، که حزب رهبری آنرا در دستخواره، کمالاتان به تلاش خود در سمت تحکیم هرچه بیشتر پیوندهای برادرانه با دیگر احزاب، حکومتها و ملت‌های جامعه سوسیالیستی، ادامه خواهد داد.

جنگ‌الاملاک هاشمی رفسنجانی دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراق دست به توطئه جدیدی نزند

جنگ‌الاملاک هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی گفت: «امریکا با همه قدرتش علیه انقلاب ایران تلاش کرده و باز هم خواهد کرد»

در آردمانند چیز جدیدی نیست. ریکان يك قدرت جدیدی در امریکا نیست. امریکا یا همه قدرتش تلاش داشته و علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده و باز هم خواهد کرد و ما هم در مقابل توطئه‌های آمریکا آمادگی مقابله داریم.

خبرگزاری پرسید: شایع شده است که ژنرال‌های فراری و عوامل رژیم گذشته که در انگلستان پسر می‌برند در ایران کودتایی خواهند کرد (الله در رابطه با سمجیزه ایران) جزئیات این طرح و یا نحوه جلوگیری از این طرح را بررسی کرده‌اید؟

شرکت سهامی آب منطقه‌ای شمال به نام «مردم» پاسخ می‌دهد

مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه‌ای شمال، طی نامه شماره ۱۲۸۹۵ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۳ که چند روز پیش بدست ما رسیده، به خبر نامه شماره ۳۵۲ مورخ ۵۹/۷/۱۶ پاسخ داده‌است، که در زیر عینا درج می‌گردد:

خواهشمند است طبق قانون مطبوعات شرح ذیل را در یکی از صفحات آن روزنامه درج نمائید. در شماره ۳۵۲ مورخ ۵۹/۷/۱۶ آن روزنامه مطالبی سرایا کتب و تحریک آیتین بعنوان (چرا مزایای کارگران کارگاه کانال و لولسازری برق شمال را نمی‌پردازند) درج شده بود که برای روشن شدن اذهان به توضیحات ذیل مبادرت می‌نمایم.

کارگران کارخانه کانال و لولسازری وابسته به شرکت سهامی آب منطقه‌ای شمال مثل کلیه کارگران این شرکت از مقرری و مزایایی که طبق ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی تعیین شده است برخوردار هستند و هیچ تفاوتی بین آنها و دیگر کارگران وجود ندارد. فستنا برخلاف ادعای آن روزنامه مواد ۳۲ و ۳۳ قانون کار و امور اجتماعی در مورد کلیه کارگران موسسات دولتی و خصوصی جاری بوده و مقرراتی است که قانونگذار برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما تنظیم نموده است و کلیه سازمانهای دولتی از جمله این شرکت می‌توانند بنابه نوع کار و تخصص بازده کاری کارگران و همچنین امکانات و اعتبارات و بودجه خود کارگران را ضمن اخذ تصد مشمول یکی از مواد فوق‌الذکر بشناسند که نحوه چگونگی این نوع اشتغال را مقررات قانون کار تصریح نموده است و خود اداره کار نیز در موارد لازم ناظر اجرای قانون بوده و بهتر از هر مرجعی منافع کارگر را در مقابل کارفرما حفظ می‌کند. بدینوسیله است که این شرکت حتی‌الامکان هر نوع تسهیلات و مزایای رفاهی که قانونا بتواند در مورد کارگران کارخانه کانال‌سازی مثل دیگر کارگران

خود برقرار کرده و خواهد نمود و نیز حق دارد که در صورت عدم نیاز به خدمت کارگر بدست بیشتر از سهام طبق مقررات موجود با اخذ تصد از آنها براساس ماده ۳۲ قانون کار اقدام نماید و دلوسوزها و اشک‌تساح ریختنهای ظاهری آن روزنامه برای کارگران ایرانی با توجه به منوابع بسیار درخشان و روشن آن روزنامه که کاری‌چین شمارداده بی‌محتوی هندی دیگر ندارد روشن می‌شاید. لذا مقتضی است از تحریک و تفتین در بین مردم خودداری نموده از کتب و تحریف واقعات بپرهیزند.

نامه «مردم» آقای حسن قنودچی، مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه‌ای شمال، در ارتباط با دفاعی که ما از حقوق قانونی کارگران کارگاه کانال و لولسازری برق شمال بعمل آورده‌ایم، با تاخیر فراوان (۵۱ روزه پس از درج مطلب ما) پاسخی فرستاده‌اند که در بالا خواندید.

چنانکه خوانندگان گرامی مشاهده می‌کنند، آقای حسن قنودچی بجای آنکه به توضیح مستدل در پاسخ خواستهای کارگران بپردازد تا کارگران را قانع کند، جهت حمله خود را متوجه نامه «مردم» کرده‌اند و حتی از توهین و افترا به ما خودداری ننموده‌اند.

طبق ماده ۱۵ قانون مطبوعات، پاسخهایی که حاوی توهین و افترا باشند قابل چاپ و انتشار نیست. ما اینجورود، ما بین نامرزا چاپ می‌کنیم، تا تشن دهم که در ارتباط با دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران، ما از هیچ چیز باک نداریم.

و اما «تحریک و تفتین» نسبت‌داده شده به ما، فقط به روزنامه‌های که دهها سال است با پیگیری از حقوق زحمتکشان ایران دفاع می‌کنند، نمی‌رسد، بلکه بیشتر افتراگر روتسای نادریست و ناپسند در برابر این روزنامه است. آقای قنودچی می‌توانست مطالب خود را بدون توسل به توهین و افترا، که زیننده مقامات مشمول سازمانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران نیست، بیان دارند، که ستاسفانه چنین روشی را در پیش گرفته‌اند.

ما با چاپ پاسخ ایشان، قنودچی دیواره این روشها را به افکار عمومی، بخصوص کارگران و زحمتکشان ایران می‌گذاریم، که ما سمیمانه از حقوق آنها، علیرغم توهین‌ها، افتراها و حملات خصمانه، هواره دفاع کرده‌ایم، می‌کنیم و خواهیم کرد.

برای ارتقاء سطح زندگی مردم و پیوستگی های جدید بیخطر سوسیالیسم هوار کرده است.

وظیفه‌ای که کنگره دوم برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ تعیین کرده، پیشروی منظم در مسیر صنعتی شدن سوسیالیستی، در جهت ایجاد پایگاه مادی - قس سوسیالیسم است. قرار است تولید خانگی ملی و درآمد ملی سالیانه ۵ درصد افزایش یابد و این امر از طریق افزایش کارائی فعالیت‌های اقتصادی امکان‌پذیر شود. پسرای زحمتکشان در همه بخش‌های اقتصاد کشور وظایف مهمی در پیش گرفته شده است. بویژه قرار است تولید شکر ۲۰ تا ۲۵ درصد نسبت به دوره پنجاه و شش افزایش یابد. همچنین تولیدات منابع فلزی به ندر قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت. پیشرفت در کشاورزی بطور عمده از طریق افزایش منظم در حصول تولیدات و پیوستگی بیشتر دامداری از طریق افزایش دامها و افزایش زمینهای زیر کشت و استفاده بهتر از منابع مادی و انسانی صورت خواهد گرفت.

به افزایش منظم رفاه زحمتکشان و توسعه علم و تکنولوژی، آموزش و فرهنگ، خدمات بهداشتی و ورزشی اهمیت ویژه‌ای داده شده است.

در زمینه پیوندهای اقتصادی بین‌المللی برای همکاری تجاری، مالی، علمی، قس و اقتصادی در برنامه پنجاه آئینده، گسترش قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفته شده است. یکی از مهمترین وظایف در این زمینه توسعه پیوندهای درجه‌ای اقتصادی، علمی و قس با کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی و شرکتسوزی در شورای همکاری اقتصادی در جهت پیشرفت شدن هرچه بیشتر وحدت اقتصادی کشورهای عضو این شورا خواهد بود.

در پایان کار دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، اجتهاد باشکوهی با شرکت بیش از یک میلیون نفر از مردم کوبا در هارنا تشکیل شد. در این اجتهاد باشکوه، قیدل کنگره، دیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، طی سخنانی به اهمیت زیاد کوشش در راه محدود ساختن سابقه تساریاتی اشاره کرد و سیاست نظامیگری آمریکایی آمریکا را شدیداً محکوم کرد. لئوئید برژزهف دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی پیامی، اجرای موفقیت آمیز تسهیلات دولتی کنگره حزب کمونیست کوبا و موفقیت‌های مردم این کشور در راه پیشرفت جامعه سوسیالیستی را آرزو کرد.

جنگ‌الاملاک هاشمی رفسنجانی دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراق دست به توطئه جدیدی نزند

جنگ‌الاملاک هاشمی رفسنجانی پاسخ داد: «ما از همان روزهای اول همیشه فرض را بر این گذاشته‌ایم که امریکایی‌ها با عوامل زبانه‌ای که در منطقه و دارنده امکاناتی که دارند، دنبال توطئه هستند و ما آمادگی به هم زدن هر توطئه‌ای را هم داریم. توطئه جدیدی که شایع‌ترین هست به گوش ما هم خورده، فکر می‌کنم نیروهای که مشمول حفاظت کشور هستند، این آمادگی را داشته باشند.

در باره تشنساتی که گروگانها جنگ‌الاملاک هاشمی رفسنجانی گفت: من هنوز جواب رسمی آمریکا را ندیده‌ام. بهرحال اگر آمریکا حاضر نباشد حقوق ما را بدهد آخر کار ما محاکمه است.

خبرنگار دیگری پرسید: شایع شده است که آمریکا طرف آمریکا و قس منطقی خواهند خواست ایران از طرف ماسکی وزیر خارجه آمریکا، (درباره گروگانها) و حمله سوسیالیستی به جنوب لبنان را در چهارچوبهای پایکندگی می‌بیند و احتمالاً چه پیامدهایی دربر خواهد داشت. جنگ‌الاملاک هاشمی رفسنجانی پاسخ داد: ما انتظار داشتیم وقتی که امریکایی‌ها احساس کنند در جنگ عراق که به ایران تحویل شدنتست خورنده باید يك توطئه جدیدی بکنند و با جمهوری ما راه بیاندازند این هیاوها، از يك گوشه‌های طبعاً شروع می‌شود. احتمالاً قضیه‌ای که شما اشاره کردید، به همینان هم مربوط است با جنگ ایران و عراق نیست و اسرائیل از همان روزهای اول یکی از مرمی‌های توطئه حمله عراق بود.

هیئت ۷ نفری باید فعال باقی بماند و با قاطعیت کار خود را ادامه دهد

به آن توجه کنند. در روستای و نارچ میهنهای با بیفر و او انند و هیئتهای هفت نفری میتوانند در اسرع وقت قانون اطلاعات ارضی را در مورد آنان به اجرا در آورند. البته باید با تهیه وسایل و ادوات کار و حفر چاه برای روستائیان زحمتکش که این اراضی به آنها تعلق میگیرد و نیز تشویق و ترغیب آنان به کار و تعاونی، اراضی مذکور را به زیرکشت برد. این چیزی است که آیت اله دکتر بهشتی نیز بر آن تأکید داشته و در مصاحبه مطبوعاتی گفته است:

"هیئت های ۷ نفری بنا به قاطعیت وظیفه خودشان را در اجرای لایحه زمینهای کشاورزی در بندالف و ب دنبال می کنند و همه دستگاههای دولتی و همه مردم و بخصوص بانک کشاورزی و بانکهای دیگر باید کمک مالی کنند و ادارات کشاورزی کمکهای فنی بکنند و با این هیئت ها همکاری کنند، تا این زمینها بدست کشاورزان عزیز ما آبا د شود و همه کشاورزان روی زمینهای بی کشت و بار خودشان بخواهند بکار و کشت و کاری کنند."

موضوع دیگر در ارتباط با قالیبافان روستای و نارچ است، که تعداد آنها به ۱۱۰ خانوار میرسد. این روستائیان زحمتکش نیز باید با تمام تلاش خود در تعادل و تعادلی متشکل گردند و محیط مساعد کار و رونق ادوات و مواد مورد نیاز کارشان تامین گردد. اگر این کار درست و بسود زحمتکشان قالیباف انجام گیرد، مسلماً موجب تقویت صنعت ملی قالی-بافی خواهد شد.

روستای و نارچ یکی از روستاهای شهرستان قم است. فاصله این روستا تا مرکز بخش ۷ کیلومتری و تا شهر ۳۱ کیلومتر است. روستای و نارچ ۲۱۲ خانوار را با ۱۰۰۰ نفر جمعیت دربر میگیرد. اهالی این روستا به کشت و زراعت و دامداری و باقی اشتغال دارند. از ۲۱۲ خانوار ساکن در روستا، ۲۰ خانوار کشت و زراعت، ۴۰ خانوار دامداری و ۱۰۰ خانوار قالیبافی میکنند. ۱۱۰ خانوار نیز در معدن کمنکنزیکه در این روستاست کار میکنند. در این روستا زمینهای با بیفر و او انی وجود دارد.

روستای و نارچ دارای درمانگاه و بهداشتی است. لیکن در مورد بیماران و زانوهارا به قم منتقل می کنند. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه ۸ کیلومتر است. روستای و نارچ دارای مدرسه ابتدایی ۵ کلاس است و ۱۰۰ دانش آموز دارد. لیکن مدرسه راهنمایی ندارد. مشکل روستائیان زحمتکش این روستا کمبود آب است. با توجه به ضعف بنیه مالی این روستائیان و عدم وجود وسائل کار، علیرغم وسعت اراضی قابل کشت، آنان قادر به حفر چاه و بزرگکشت بردن این زمینها نیستند.

روستائیان تاکنون بکرات به تعاون روستایی قم مراجعه کرده اند، لیکن به خواست آنان توجه نشده است. برای اجرای دستور امام خمینی و تومیه آیت اله منتظری، حفر چاه که در این منطقه در عمق کم به آب میرسد، کاملاً ضروری است و مسئولان امور باید فوراً

کنجداران بخش زیدون را یاری کنید!

(مسئولان امر حاضر نیستند کنجداران کشاورزان بخران را با ۲۵۰ کیلویی خریداری کنند، به بیش از ۵۰۰ کیلویی بخرند) دل سردی و نگرانی دهقانان شده است. به جاست که مسئولین امر، در این مورد به وظیفه انقلابی خود عمل کنند و برای مبارزه با محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا، محصول این دهقانان را به قیمت عادلانه خریداری کنند. بر مسئولین است که همچنین بذریکود، تراکتور و کمپاین در اختیار این دهقانان قرار دهند و با مشکل کردن آنها در تعاونی-های روستایی، زمینهای مناسب را برای رشد اقتصاد کشاورزی این منطقه فراهم آورند.

امپریالیستی، شرکت های خارجی فلور و سک در این منطقه شروع به فعالیت کردند. بدین ترتیب سرمایه های امپریالیستی بدون این منطقه نیز راه یافت. این امر موجب رکود کشت و کار اهالی و ورشکستگی کشاورزان این مناطق گردید. به طوری که برای مدتی، تا قبل از بهروزی انقلاب، کشت کنجد و برنج در سراسر این منطقه متوقف شده بود.

پس از بهروزی انقلاب و فرمان امام خمینی مبنی بر آغاز فعالیت برای رشد همه جانبه اقتصاد کشور، امسال دومین سالی است که اهالی این منطقه اقدام به کشت کنجد کرده اند. اما بی توجهی مسئولین امر و از جمله نخریدن محصول به قیمت تمام شده،

فصل برداشت کنجد فرا رسیده است. کشاورزان که از چهار ماه پیش کنجد کشت کرده اند، اکنون محصولات خود را جمع آوری می کنند. برای آشنایی با مشکلات این کشاورزان، به بخش زیدون از شهرستان بهبهان، که یکی از مناطق کنجکاری کشور است، می رویم:

زمینهای بخش زیدون، به علت مجاورت با رودخانه پر آب زهره، از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار است. به همین دلیل این منطقه سالیان سال، کنجد و برنج شهرستان بهبهان و چندین شهر دیگر را تامین می کرد. اما به علت سیاست ضد دهقانی رژیم گذشته و وابستگی این رژیم به کمپانی های بزرگ

از مسائل اهالی روستاهای دهستان مهربان هرچه گفته شود، باز هم کم است. زیرا این مردم زحمتکش، که علیه ستم طاغوت به پا خاستند و با آن مبارزهای جانانه کردند، اینک برای حفظ دستاوردهای انقلاب به کمک نیاز دارند. مانند سایر دهقانان، آنها به تدوین و اجرای قوانین و برنامه های انقلابی در زمینه مسائل ارضی و کشاورزی نیاز دارند و حق است که مسئولین کشاورزی

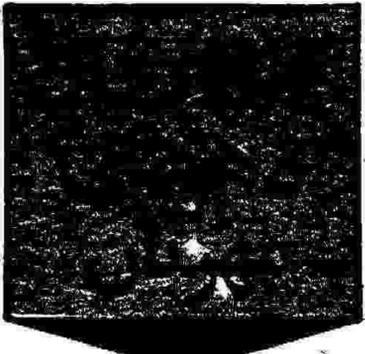
ملکیت با خواست های آنان برخوردی انقلابی داشته باشند. در دنباله مطالبی که در شماره های گذشته نامه مردم در باره روستاهای دهستان مهربان نوشتیم، در این شماره به روستاهای دیگر این منطقه سر می زنیم. از قریه آب مشکین شروع می کنیم:

قریه آب مشکین
در قریه آب مشکین، که در ۱۳۰ کیلومتری همدان واقع است، ۲۷۱ خانوار (۱۵۰۰ نفر) زندگی می کنند، که ۶۰ خانوار آن خوشنشین و بقیه کشاورز هستند.

بزرگ مالک قریه آب مشکین شخصی به نام شکرالله بنی صدر بود، که حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین داشت. این زمینها در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری توسط هیات ۷ نفری به ۶۰ خوش نشین و ۱۳۵ دهقان کم زمین و بی زمین واگذار شد. به هریک از اینها حدود ۶ هکتار زمین داده شده است. البته به علت شرایط موجود، نماینده هیئت ۷ نفری به کشاورزان گفته است که فعلاً اسامی زمینها را بکارید، تا سال بعد تعیین تکلیف قطعی از روی مواد قانون صورت گیرد. اگرچه این مسئله باعث نگرانی خاطر کشاورزان شده، و آنها به درستی می دانند که انقلاب مال آنها و با آنهاست و به هر صورت قانون مصوبه اجرا خواهد شد و هیئت های هفت نفری با قاطعیت به فعالیت خود ادامه خواهند داد و همانطور که در اعلامیه ۲۴ آذرماه ۵۹ ستاد زمین گفته شده، تمام حملات خائنه و مشکلات و تضییقات، هیئت ها را در حقانیت کارشان ثابت قدم نخواهد کرد.

در این روستا مدرسه هست، ولی از نظم خبری نیست. یکی از دهقانان می گوید:

"همه باید با سواد شوند، ولی حتی برای مدرسه ابتدایی معلم



هزار ریال پول نقد و ۱۳ عدد گوسفند به پایگاه نوزده و بانک مهدیه برای جنگزدگان کمک کرده اند.

قریه پیر بادام
در قریه پیر بادام، که در شمال غربی همدان قرار گرفته است، ۱۲۰ خانوار زندگی می کنند، که ۱۲ نای آن ها خوشنشین و بقیه کشاورز هستند. جمعیت این روستا حدود ۷۰۰ نفر است و فاصله آن با همدان حدود ۱۳۵ کیلومتر است. دهکده جاده های خراب دارد و درمانگاه و

برای دفاع از میهن انقلابی آماده اند

شرکت تعاونی ندارد. ولی مسئله اساسی در این دهکده، مسئله زمین است. بزرگ مالک این روستا دارای ۱۱۰۰ هکتار زمین است. پس از بهروزی انقلاب و مطرح شدن مسئله گری و حاد اصلاحات ارضی، هیئت ۷ نفری به این روستا هم آمد و تاکنون قسمتی از زمینهای مالک مزبور را به دهقانان واگذار کرده است. ولی قسمت زیادی از زمینهای مزروعی روستا هنوز در اختیار مالک قبلی است. به همین جهت زارعین مشکلات زیادی در ارتباط با این مسئله دارند. یکی از آنها می گوید:

"پاییز سال گذشته که دهقانان زمین را کاشته بودند، مالک از دست ما شکایت کرد و ما مورین آمدند و ما را گرفتند. بعد هم حتی نگذاشتند کاشته های ما را که کاشته بودیم، برداریم. الان هم کاشته های ما برده اند."

یکی دیگر از دهقانان می گوید:

"این مالک به ما ظلم زیادی کرده است. او حتی گوسفندهای خود را برای چراندن به زمینهای ما می آورد و به این ترتیب خسارات زیادی به ما زد."

بر این اساس، دهقانان قریه پیر بادام خواستار اجرای کامل اصلاحات ارضی در این منطقه و کوتاه کردن دست زمیندار بزرگ منطقه هستند. هیئت هفت نفری، با تکیه به نیروی لایزال دهقانان مستضعف و با بهره گیری از کمکهای جهاد سازندگی و سپاه پاسداران می تواند این وظیفه بزرگ را به انجام برساند و ارباب مستکبری را، که هزارها صد هکتار زمین را غصب کرد، از زور، کویی و بهره کشی بازدارد.

در دهستان مهربان بسیاری از دهات از ثمرات کار انقلابی هیئت های ۷ نفری برخوردار شده اند. باشد که هرچه زودتر کلیه دهات این منطقه آثار انقلاب را در زندگی خویش ببینند.

نفرستاده اند، تا چه برسد به این که پیرومردها بخواهند سواد یاد بگیرند.

کارهای زیادی به صورت نیمه تمام در این روستا باقی مانده است. حمام دوشی این روستا، که ساختمان آن به عهده سازمان تعاون روستایی است، تا حدود ۱۵ درصد ساخته شده و بقیه آن نیمه کاره مانده است. چندی پیش جهاد سازندگی در این روستا مشغول کندن چاه و لوله کشی شد، که آن هم نیمه کاره مانده است. ساختمان راه این ده تا ده جالی نیز درست اقدام است و مشغول شن ریزی و بل زدن هستند، که دهقانان امیدوارند نیمه کاره نماند.

در این روستا از درمانگاه و بهداشت خبری نیست. فروشگاه شرکت تعاونی وجود دارد، ولی اهالی از آن راضی نیستند و معتقدند که این شرکت به معنای واقعی تعاونی نیست و به مردم اجحاف می کند. یکی از روستائیان در این مورد می گوید:

"این فروشگاه اجناس را به ما گران تر از حد معمول می فروشد. مثلاً سیگار زر ۴۰ ریال است، ولی به ما ۴۵ ریال می دهدند. قند را هم ۲۲۵ کیلویی ۲۲۵ ریال می فروشند. اهالی آب مشکین یک چاه نیمه عمیق در روستای خود زده اند، که دارای آب بسیار زیادی است، ولی احتیاج به موتور دارد. قیمت این موتور حدود ۲۲۵ هزار تومان تخمین زده شده و اهالی به جهاد سازندگی اطلاع داده اند که می توانند تا یک سوم این پول را بردارند. بر مسئولین امر است که در تهیه این موتور به زارعین این روستا کمک کنند و ضمناً کار لوله کشی ده را نیز به انجام برسانند."

به دنبال جنگ تحمیلی رژیم صدام، مردم آب مشکین نیز، مانند سایر مردم کشور، آمادگی خود را برای دفاع از میهن و انقلاب اعلام داشتند. آن ها تا کنون حدود ۲۰۰

گذری به روستای نیریچ

مسئولین کشاورزی می خواهند که با الهام از دستاوردهای انقلاب، به این مشکل آن ها رسیدگی کنند و ترتیب دادن سند مالکیت به آن ها را بدهند.

در حال حاضر یک رشته راه به طول ۱۶ کیلومتر از جاده اصلی همدان - قزوین توسط وزارت راه در حال ساختمان است، که قرار است ۵ ساله ساخته شود. این مدت طولانی است، در حالی که احداث سریع تر جاده برای اهالی روستاهای این منطقه و تولید کشاورزی آن ها و فروش محصولات اهمیت حیاتی دارد.

در روستای نیریچ، اخیراً شورای ده تشکیل شده است، که از جمله به کارهای توزیع نفت رسیدگی می کند، لیکن خراسان شواهد موجود و به علت عدم مشارکت فعالانه اهالی این روستا، این شورا ارگان صد درصد انتخابی مردم نیست. دهقانان خواستار فعالیت صحیح و بنیادی شورا هستند و می طلبند که انتخاب شورا صد درصد توسط خود اهالی ده صورت گیرد. باید اضافه کرد که تا خود روستائیان مشارکت فعالانه نداشته باشند و در کارهای تولیدی و عمرانی و بهسازی ده به شورا کمک نکنند، تا وظایف خود را انجام دهند، این نهاد نخواهد توانست نقش انقلابی بسیار مهم خویش را در زمینه های مختلف به انجام رساند. خود دهقانان باید شورا را به یک ارگان موثر که هم دارای وظایف و اختیارات و امکانات دولتی است و هم منتخب و جوشیده از مردم و بیانگر منافع و اراده آن ها است، بدل کنند. نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، می توانند برای تقویت و مردمی کردن شورای ده به یاری دهقانان بشتابند.

روستای نیریچ از توابع بخش آوج خرقان غربی، که در ۱۳۵ کیلومتری جاده همدان - قزوین واقع است، با کمبود آب و امکانات بهداشتی روبروست.

بهتر اهالی این روستا، که قادر به کار کردن هستند، حدود ۵ ماه از سال را در روستا به کار کشاورزی اشتغال دارند و بقیه مدت را در تهران به سر می برند. محصول عمده کشاورزی این منطقه گندم است که، به علت کمبود امکانات، میزان آن قابل توجه نیست. با اینکه زمین های مستعد کشاورزی در این منطقه نسبتاً زیاد است، ولی به علت ناگافی بودن آب، بیشتر زمینها بایر مانده است. میزان کم آبی به جدی است که حتی مقدار محدود سبزیهایی که کشاورزان برای مصرف شخصی می کارند، نیز خشک می شود. حل این مسئله به تولید بیشتر و مشارکت فعال دهقانان در جهاد کشاورزی، که وظیفه اصلی دهقانان است، کمک جدی خواهد کرد و پشت جنبه را تقویت خواهد کرد.

این روستا، که ۴۰۰ خانوار در آن زندگی می کنند، دارای بهداری، یک دبستان و یک مدرسه راهنمایی، آب لوله کشی و شعبه نفت سفید است. اخیراً جهاد سازندگی اقدام به ساختن یک دبیرستان نیز در این روستا کرده است. اما روستا فاقد حمام بهداشتی است. دهقانان ده دارای سابق مبارزاتی علیه بزرگ مالکان هستند و در زمان طاغوت، کمی با بست سالها به ۳۶۰ ریال قسط بهر دادند. علیرغم فشار مالک و حمله زاندارم ها، از پرداخت قسط امتناع کردند و تسلیم برنامه شاه معدوم نشدند، اما عده ای از این رعیت های سابق به علت اعمال نفوذ مالکین در دوران قبل از انقلاب، سند مالکیت ندارند. روستائیان نیریچ از

در باره «القاء» ادعاهای واقع

نوروز

ادعاهای واقع
ادعاهای واقع

از این شوه‌ها به اوج گسترش خود رسیده است. در کشور ما بهره‌گیری از «القاء» ایدئولوژی همیشه جزئی از سیاست طبقات حاکمه بوده است. بویژه در دوران اوج تسلط امپریالیسم بر مین ما، یعنی در دوران ۶۰ ساله سلطنت رضا خان و پسرش محمد رضا پهلوی که با پیدایش و تحکیم اولین کشور سوسیالیستی جهان یعنی اولین پایگاه نیرومند جنبه جهانی ضد امپریالیستی در همسایگی دیوار به دیوار شمالی ما همزمان بود. این شوه به اوج خود رسید. امپریالیسم و نوکران ایرانی‌اش در این ۶۰ سال از همه وسایل و ابزار بهره‌گیری کردند تا به مردم چنین القا کنند که استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی و آداب و رسوم ملی و قومی جامعه ایران از طرف کمونیسم که به ادعای آنها همان «امپریالیسم تزاری روس» است، مورد تهدید قرار گرفته و تنها تسلیم بلا شرط به امپریالیسم جهانی و قبول آقاچه و سروری امپریالیست‌ها می‌تواند در برابر این خطر سد غیرقابل عبوری ایجاد کند. این سیاست تا آنجا پیش رفت که چنانچه در سال ۱۳۵۶ شاهدش بودیم، تمام شریان‌های حیاتی کشور ما در دست جنایتکار و خون‌بار امپریالیست‌های آمریکایی و همدستان اروپایی و ژاپنی‌شان متمرکز شده بود. امپریالیست‌ها حتی به هزاران نوکر دست به سه ایران‌ها نظیر محمد رضا و هویداها و نصیری‌ها و شریف‌امام‌ها و جلادان و چاپلوسان، غارتگران بزرگ مالک و کلان سرمایه‌دار اکتفا نکرده با فرستادن بیش از هشتاد هزار جاسوس به تمام شاور نظامی و کارشناس اقتصادی و تاجر و قاطعه کار، کشور را به یکی از بزرگترین میدان‌های غارت اقتصادی برای امپریالیست‌ها و وابستگانشان و یکی از محکم‌ترین و مطمئن‌ترین پایگاه‌های تجار و نظامی علیه کشور اتحاد شوروی از سوی شمال و علم‌جنش‌های راه‌های بخش‌شد امپریالیستی در منطقه و تکیه‌گاه دوم پس از اسرائیل تبدیل ساخت. تمام این سیاست اسارت - آفر در حول محور «القاء» ایدئولوژیک در زمینه «خطر کمونیسم» و «خطر اتحاد شوروی» دور میزد. اتفاقی نبود که در روزهای مرداد سال ۱۳۲۲ یعنی همان روزهایی که تدارک‌کوتدستی ۲۸ مرداد در تمام ابعادش جریان داشت، روزنامه‌های وابسته به امپریالیسم نظیر «تهران مصور» و «شاهد» و امثال آنها پر بودند از جنجال درباره «تهدید از طرف شوروی»، «خطر کودتا از سوی حزب توده ایران»، «مصدق در دام کمونیسم افتاده است» و لاپلاط‌های منحرف‌کننده‌های از این قبیل. امروز دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند تردید کند که گرداندگان «شاهد» و «تهران مصور» و همالکی‌ها با حجاب دست و پا در حرمان بزرگ کودتا برک معصم دادند.



در راه این سیاست «القاء» ایدئولوژی. چنان‌که می‌دانیم امپریالیسم و مزدوران‌شان هروسلمه ای را برای منحرف کردن توجه توده‌های ناآگاه مردم از دشمن اصلی‌شان یعنی رژیم غارتگر استبداد سلطنتی و پایگاه طبقاتی‌اش در درون کشور و امپریالیسم جهانی به‌میرکردگی امپریالیسم آمریکا در خارج به‌کار می‌گرفتند.

اسلام آمریکایی چیز نوی نبود. در زرادخانه «القاء» ایدئولوژیک «ارتجاع و استعمار به اندازه کافی تجربه‌های مکارانه برای القاء» ایدئولوژی با رنگ‌های مذهبی وجود داشت. طبقات حاکمه غارتگر طی چند هزار سال موجودیت ادیان یهودی و عیسوی و اسلام، انبار دشت‌انگیزی از معجون‌های خواب‌آور و انحراف‌آلود کن و نفاق‌افکن گرد هم آورده بودند و تجربه‌های چند صدساله استعمار اروپایی در کشورهای اسلامی هم معجون‌های ویژه برای خلق‌های مسلمان آماده ساخته بود. امپریالیسم آمریکا به‌سرگردگی دشمنی امپریالیستی همه این تجربی‌ها و انبارهای «القاء» ایدئولوژیک را بدون اشکال‌بگر گرفت و نهادهایی که بوسله دستگاه کهنه‌کار انتلیجنت - سرویس انگلستان ساخته و پرداخته شده بود مانند فراماسونری، صهیونیسم، بهائی‌گری، آفاخان بازی و نظائر آن به خدمت ارتجاع قدر قدرت تازمفس در آمدند و در لابراتوارهای «سیار» آمریکا تجربه‌های تازه‌ای برای درهم آمیختن این معجون‌ها و تدارک معجون‌های دیگر مانند شامه فحشا، اشاعه مواد مخدر، اشاعه بی‌بندوباری سکن، عادت دادن به بنجل‌های لوکس و دهها نمونه دیگر به نام «شوه زندگی آمریکایی» آغاز گردید.

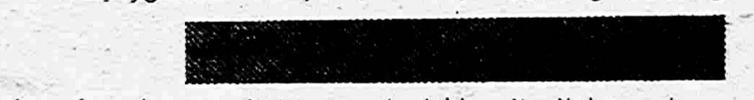
برای منحرف ساختن توده‌ها از افکار انقلابی نوین و از گرایش به سوسیالیسم علمی هم در زرادخانه استعمار و امپریالیسم «اسم» ایمن رنگارنگ وجود داشت مانند تروتسکیسم، آناشیزم، سوسیال دمکراتیسم و سوسیالیسم «ملی». ولی باید گفت که در این راه بزرگ‌ترین تحفرا ماژوسیسم، امپریالیسم و ارتجاع جهانی تقدیم نمود.

با علی شدن ارتداد رهبران چین نو، یعنی ماژوسیسم و همفکرانش استادان التقاء ایدئولوژی امپریالیستی بلافاصله می‌بردند که «زرادخانه» نوینی با امکانات بسیار برای گمراه کردن و منحرف ساختن از بخش از توده‌های انقلابی کشورهای زیر سلطه که به القاشات ایدئولوژیک نوع مذهبی‌اش، تحت تاثیر نمی‌روند پیدا شده است.

به این ترتیب تمام جهان شاهد این واقعت گردید که امپریالیسم جهانی که از شنیدن نام کمونیسم لرزه بر اندامش می‌افتاد یکبار به هوادار «کمونیسم حیلی انقلابی» چینی گردید و به منظور که دهها اعتراف مأموران بازنشسته و از خدمت‌گرفته «سیا» نشان داده‌است به همه مأموران «سیا» در دنیا و همه سازمان‌های دیگر وابسته به آن از آن جمله موساد و ساواک و غیره مأموریت داده شد که در ایجاد و گسترش گروهک‌های مائوسیستی تمام امکانات خود را به کار اندازند. تاریخ ده ساله اخیر جامعه مین ما یکی از بارزترین نمونه‌های این هنداستانی دو شوه عمده «القاء» ایدئولوژی یعنی ترویج «اسلام» آمریکایی از یک سو و ترویج «امپریالیسم» آمریکایی یعنی مائوسیسم و شبه مائوسیسم از سوی دیگر است. درست با اولین تلاطم‌های رشد جنبش ضد امپریالیستی و مردمی زیر پرچم اسلام انقلابی، اسلام مردمی - رهبری امام خمینی از یک سو و بارشده‌ها و انقلابی جوانان پر از ضد امپریالیست، ضد استبداد و ضد غارتگرها گرایش‌هایی در جهت سوسیالیسم علمی از سوی دیگر، فعالیت بی‌سابقه دستگاه‌های «القاء» ایدئولوژی «اسلام» آمریکایی و «مارکسیسم» آمریکایی تیا لود به‌کار افتادند. به این ترتیب توده‌های وسیع مردم، زحمتکاران شهر و روستا، کارگران و دهقانان آماج «القاء» ایدئولوژی «اسلام» آمریکایی و روشنفکران و جوانان و بویژه دانش‌آموزان و دانشجویان در ایران و در کشورهای آمریکا و اروپای غربی آماج «القاء» ایدئولوژی «مارکسیسم» آمریکایی، یعنی مائوسیسم و تروتسکیسم و آناشیزم و هرگونه اسم دیگری که با سوسیالیسم واقفا موجود توده‌های سوسیالیستی پشیمان‌خست‌های راه‌های بخش‌ملی دشمنی می‌ورزند، قرار گرفتند.

حوب به خاطر دارم که چگونه در مین ما وعظ السلاطین برای حواب کردن توده‌های معصوم به مذهب، از نامشای مشتمل‌کننده «مسافر خاندان فاسد و جابر پهلوی برای «ریاست» مشهد و نجف و کربلا تجلیل می‌کردند و «اندشمندان» برای گمراه کردن گروه‌های تحصیل‌کرده به اشاعه انواع «اسم» های اخراقی با طواهر پرزور و برقی «تلفی» و «علمی» می‌پرداختند. این سیاست تا آنجا پیش رفت که حتی اشاعه «مارکسیسم» و «تلفی» که علیه جنبش‌های سوسیالیستی جهان، علیه کشورهای سوسیالیستی و علیه حزب توده ایران باشد متناه‌جایز گردید. بلکه به صورت تبلیغات رسمی دولت درآمد. به خاطر دارم که پس از انحراف خاندان رهبری حزب کمونیست چین مطبوعات رسمی ایران به یکی از میدان‌های پهلوار تبلیغ برای به اصطلاح «امپریالیست‌ها بود در چهارمورد شماره منوالی هر روز یک صفحه تمام و کمال خود را به «تجلیل» از «کمونیسم چینی» «تحصیل داد و سوسده» این «ریتران» تاریخی که دو دنیا نظیرش دیده نشده است کس دیگری نبود جز خود عباس سعیدی، مهره مشهور امپریالیسم جهانی.

در این جریان عظیم «القاء» ایدئولوژی چه بسا عناصر با ترف، با حسن نیت، علاقمند به استقلال و آزادی و شهوت اجتماعی خلق‌های ایران که در دام زهر آلود این جنایت‌پیشگان بی‌المیلی افتادند و با تعصب ساکاهانه و کورگانه این «القائات» درست در جهت معکوس هدمی که برای زندگی خود بر کرده بودند، کام به‌اند و آب در آساده‌سین ریجید.



پس از سروری انقلاب سلاطین محافل امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی برای بهره‌گیری از «القاء» ایدئولوژی به تنها تخفیف نجات، بلکه با بسیجی بی‌رحم و با سوه‌هایی باز هم موب‌بانه‌تر ادامه یافت. اگر در دوران تسلط رژیم استبدادی و سوسده‌ها «القاء» ایدئولوژی در خواب نگذاشتن توده‌های مردم و جلوگیری از گرایش آنان به اسلام انقلابی از یک سو و به سوسیالیسم علمی از سوی دیگر بود، پس از پیروزی انقلاب مسئله منحرف ساختن توده‌های عظیم انقلابی از هدف‌های اصلی انقلاب و تشدید نفاق و چند دستگی در میان این نیروها به آماج‌های درجه اول این شوه‌بازها محافل امپریالیستی و ارتجاعی درآمد.



مسئله «القاء» ایدئولوژی چیر سوی نیست. تاریخ تحولات جامعه بشری از زمان‌های دور تا امروز شاهد این واقعت است که نیروهای حاکم ارتجاعی در جامعه در تلاطم‌های خود برای مصلحتی‌گری و ناتوان ساختن صفوف نیروهای انقلابی در حال رشد، همیشه از دوشویه بهره‌گیری کرده‌اند: یکی شوه اعمال فشار علی روسی و یا به دیگر سخن شوه «ارباب و کجنگه‌موزندان» و اعدام و ترور و دیگری شوه «منحرف کردن فکری این نیروهای هوادار درگرونی‌های بنیادی در نظام غارتگر اجتماعی - اقتصادی موجود از هدف‌هایی که در پیش گرفته‌اند، از راه «القاء» ایدئولوژی».

در اینجا باید به دو نکته توجه داشت. نکته اول این‌که تاریخ بیش از دو هزار سال اخیر جامعه بشری گواهی می‌دهد که نیروهای ارتجاعی همواره این دوشویه را به موازات یکدیگر مورد استفاده قرار داده‌اند. بخصوص در دوران‌هایی که تعصب و رشد جنبش‌های مقاومت و مبارزه، امکانات در به‌کار بردن شوه اول محدود شده‌صن استفاده از شوه اول، تمام تلاش خود را برای گزینن میدان عمل شوه دوم به‌کار برده‌اند. نکته دوم این‌که، تاریخ نشان می‌دهد که شوه «القاء» ایدئولوژی همیشه به طوریکه جنبه از طرف نیروهای حاکم ارتجاعی به‌کار گرفته شده است. در تاریخ حتی یک سوه هم پیدا نمی‌شود که نیروهای هوادار حق و حقیقت، نیروهای هوادار حقوق انسانی توده‌های عظیم محرومان، توانسته باشند از این شوه بهره‌گیری نمایند. واقعه‌ها مسخرات است. اگر تصور کنیم که یک دهقان زحمتکش و بی‌حق بتواند به ارباب خونخوارش اس فیکرا القا کند که دست از حوض‌واری و غارت و چپاول حاصل رنج دهقانانش بردارد و حق را به حق‌دار سپارد و با کارگر کارخانه بتواند به سرمایه‌دار صاحب کارخانه این فکر را القا کند که دست از استعمار حیات است و او باید دست از استعمار بردارد و یا آنان که ساعت‌ها در روز برای به دست آوردن کالای مورد احتیاج ضروری خود این در و آن در می‌زنند، بتوانند به محتکرین این فکر را «القاء» کنند که دست از احتکار بردارند. ولی در جهت مقابل یعنی از سوی نیروهای حاکم می‌سیم که بهره‌گیری از شوه «القاء» ایدئولوژی هم ممکن است و هم کار زورمهره، اربابان و بزرگ‌مالکان با کمک وعظ السلاطین از اعتقادات پاک مذهبی دهقان ساده بهره‌گیری می‌کند و به او اس‌طور تلقین می‌کنند که این «املاک» را خدا، مالک بخشیده‌است. اگر خدا می‌خواست، این مالک‌هم مثل تو محروم و فلک‌زده بود. مالکیت یک موهبت آسمانی است که به افراد «سز کرده» اعطا می‌گردد. این اربابان و بزرگ‌مالکان برای استعمار نظام عا بگری خود شکل پادشاهی را برمی‌گزینند و وعظ السلاطین فوراً به توده‌های محروم مردم اس‌طور تلقین می‌کنند که «سلطان ساه» پروردگار بر روی زمین است، هر چه شاه بخواهد همان حواست حد است. سلطان می‌گوید که بزرگ‌مالکان و تنول‌داران حق دارند هستی و نیستی مردم را در غایت برود. پس این عبا حواست خدات.

دوشویه تاریخی از بهره‌گیری از شوه «القاء» ایدئولوژی را مادر تاریخ مسیحیت و اسلام در برار جسم دارم. تاریخ بیان می‌دهد که دین مسیح در دوران آغاز پیدایش و گسترش جنبش‌های حواست‌های محروم‌ترین طبقات دوران خود، یعنی بردگان بود و توده‌هایی که به آن می‌گرویدند به طور عمده توده‌های عصاب‌گر علیه نظام سوسده و غارتگر جامعه بردماری بودند. طبقات حاکمه که خطر این عصاب را که هر روز فراگیرتر می‌شد، احساس می‌کردند، بر دسد بر آمدند که این سلاح برنده را از دست توده‌های محروم بیرون آورند و آن را علیه این توده‌ها و درجه‌بست سلاطین پای‌های نظام غارتگر به کار اندازند. اس‌طور روز دین مسیح را پذیرفت و آن‌را به صورت دین رسمی نظام غارتگر طبقاتی در آورد و از آن تاریخ تاکنون این دین با استثنای بسیار نادر به‌طور عمده حافظ نظام غارتگری است. امام خمینی در پیام به پای کلیسای کاتولیک به درستی گفته‌اند که:

«این انگضامی که در ممالک بزرگ به اسم مسیح و به اسم مسیحیت این همه جنایات را می‌کنند برای مسیح علیه‌السلام خوب نیست و بروی مسیحین برده می‌شود. من به شما قیای پای عرض می‌کنم که اگر عیسوی مسیح امروز بود، کارترس را استیضاح می‌کرد، اگر عیسوی مسیح بود، مارا از جنگال این دشمن خلق و دشمن بشر نجات می‌داد و شما نماینده اینان هستید. شما باید همان کاری را که مسیح می‌کند، بکنید».

ولی همان‌طور که تاریخ نباید کرد آقاچه پای کوچک‌ترین گامی در این راه برداشت. کلیسای کاتولیک یعنی دربار پاپ روم کار تسلیم به حواست‌های جهانی امپریالیسم را به جانی رسانید که قرارداد بدنام کذاشی «کونکورد» را با هینتر، بزرگ‌ترین جنایتکار تاریخ بشر در شرایطی بست که نازی‌ها متعصباً کجاست‌ها و سایر مبارزان صدفاخست را نابود می‌کردند، بلکه خود را آماده برافروختن آتش جنگ جهانی دوم و کشتار میلیون‌ها تن از مردم عادی، حتی کشیشان شرافتمند و انسان‌دوست می‌کردند. واتیکن چنین قراردادی را در سال ۱۹۲۹ با ایتالیای فاشیست منعقد کرده بود و بعدها نیز در سال ۱۹۵۲ با فرانکوی فاشیست منعقد کرد.

نمونه دوم تاریخی «القاء» ایدئولوژی را می‌توانیم در نبرد طبقات ممتاز و غارتگر عرب بسا اسلام واقعی، اسلام حامی محرومان و مستضعفان پای‌گذاری کرد. تاریخ دنیای اسلام گواهی می‌دهد که طی ۱۴ قرن که از تسلط اسلام معاویه به‌گردد و «اسلام» آمریکایی و لیسرالی امروز از نواده است، طبقات حاکمه سبک سلاطین و بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران همیشه کوشیده‌اند عصاب‌های خلق را با «القاء» ایدئولوژی خاصی خود در پوش اعتقادات مذهبی درهم شکنند و توده‌ها را از هدف‌های اصل خود منحرف سازند.

تاریخ چند صدساله اخیر جهان گواهی می‌دهد که «القاء» ایدئولوژی یکی از مهم‌ترین شوه‌های مورد بهره‌گیری غارتگران جهانی یعنی استعمارگران و از آغاز قرن اخیر امپریالیست‌ها بوده و هست. بهره‌گیری از این شوه به همان علتی که در بالا ذکر شد، یعنی به علت محدود شدن امکان استفاده از شوه اعمال زور مستقیم، روز به روز گسترش شتاب انگیزی پیدا می‌کند. بهره‌گیری از سلاح یعنی «القاء» ایدئولوژی از سوی استعمارگران و ارتش‌های حواست‌شان، یعنی امپریالیست‌ها به هیچ وجه مخصوص دوران پیدایش مارکسیسم به عنوان ایدئولوژی طبقه در حال رشد کارگر که پریم‌دار عصاب همه محرومان جهان گردید، نیست. استعمارگران، هم در درون کشور خود و هم در کشورهای که مورد تاخت و تاز و تسخیر و غارت قرار می‌داده، از همان آغاز دوران «استعمار» به وسیله ترین شکل از این حربه بهره‌گیری نمودند. آنان در کشور خود افکار «برتری ملی و نژادی» را به توده‌های خویش تلقین می‌کردند، تا بتوانند آن‌ها را برای تسخیر کشورهای دیگر و غارت ثروت باستان به کارگیرند و در کشورهای تسخیر شده از یک سو افکار جهان‌وطنی و غیربزدگی و از سوی دیگر ایدئولوژی تسلیم به «سرتوش» فلاکت‌بار و آزارش با غارت‌زدگی و تن‌دادن به نظام بردگی مدرن دوران استعمار را در توده‌های مردم تلقین می‌نمودند و برای این هدف طبقات حاکمه غارتگر محلی و وعظ السلاطین‌ها که برای انجام این «پیشه» تنگین، یعنی نوکری اربابان جدید از یک سو و زورگوشی به خلق محروم خودی از سوی دیگر آمادگی داشتند، به‌کار می‌گرفتند.

استعمار و امپریالیسم در به کار انداختن این شوه «القاء» ایدئولوژی از همه عواوامل و گرایش‌های سنتی موجود در کشورهای مورد هجوم خود مانند فرقه‌های کوناگون مذهبی بهره‌گیری می‌کرد و در صورت لزوم فرقه و دسته‌بندی‌های مذهبی و سیاسی رنگارنگ موجود می‌آورد. بارزترین نمونه آن صهیونیسم و فراماسونری در مقیاس جهانی و بهائی‌گری در مقیاس ایران هستند. در سال‌های اخیر، به ویژه در دوران سقو طرزیم طاغوت حتی بهائی‌گری هم از چارچوب محدود ایران خارج شده و امپریالیسم می‌کوشد آن را در مقیاس جهانی رواج دهد.

با پیدایش و گسترش سوسیالیسم علمی توسل به شوه «القاء» ایدئولوژی از سوی غارتگران جهانی از لحاظ کمی و کیفی ابعاد تازه‌ای یافت. سرمایه‌دار جهانی در پی‌تپش‌های ستایش‌های غارتگران نظام‌های کینه، در طبقه رند پاینده کارگر که در به جهان یعنی ویژه خود مجبر است، به درستی گورکن خود را می‌داند و از این سو از همان آغاز برای نابود ساختن و سادست کم بی‌اثر کردن این جهان‌بینی نوسپاد کم‌بست، سرمایه‌داری استعمارگر دوران پیش از انحصارات و بر دنیای آن امپریالیسم جهان‌خوار برای منحرف ساختن افکار توده‌های انقلابی که به این جهان‌بینی علمی می‌گرویدند تمام تلاش خود را به کار انداخت و درست به همان شوه که با جنبش‌های اصل مذهبی که بهیانگر عصاب و مقاومت محرومان بودند، عمل می‌کرد: بسا ایجاد و تقویت انحراف‌های رنگارنگ در درون جنبش نوین انقلابی از یک سو و «القاء» اندیشه‌های دشمنانه تا این جنبش در توده‌های ناآگاه بهره‌گیری از اعتقادات مذهبی و علائق ملی آنها از سوی دیگر، خود را آغاز نمود. در دوران امپریالیسم و بویژه پس از پیروزی اولین انقلاب سوسیالیستی در اکتبر ۱۹۱۷ «القاء» ایدئولوژی ضد مارکسیستی، ضد کمونیستی گسترش بی‌سابقه یافت و از همان فردای انقلاب اکتبر به صورت شوروی‌ستیزی تجسم خارجی پیدا کرد.

به این ترتیب دو شوه «القاء» ایدئولوژی، یعنی (۱) تلقین کمونیسم ستیزی در توده‌ها و (۲) کوشش برای منحرف ساختن توده‌های گرویده به سوسیالیسم علمی به صورت شوه‌های عمدی اصلی مبارزه امپریالیسم جهانی تکامل یافت و امروز ما شاهد این واقعت هستیم که بهره‌گیری

نورالدین کیانوری

ایدئولوژی

با واقعیت‌ها

ی بکنیک فرامی‌داند. آنان با اتحاد یک سوخته ظاهر همدین خلق ایران که در واقع از "مارکسیسم آمریکایی" سر- ی را میان مبارزان راستین اسلامی و هواداران راستین

از "الفا" ایدئولوژی در این دو جهت هر روز شدت بیشتری می‌یابد. صورت امر استقامت‌ها و نبردها و مقدم مراعاتی‌ها و دهها قدرت حاکم نظام نوین انقلابی جای گرفتند و سپاهیه ضدانقلاب یا تغییر یافته و زیر نقاب "اسلامی" دواته در فرسوف نیروهای انقلابی اسلامی جا زدند. وظیفه عمده از جلوگیری از اسجام و اتحاد نیروهای راستین هوادار لیبرال‌ها که دولت را در دست گرفتند بخش مهمی از دستگاه طاعتی در مطبوعات، ادارات دولتی و نیروهای نظامی نه آمریکا یا همان گستاخی و بی‌پروائی گذشته از همه‌گونه خود پروردار بود. تشریفات مشهور و آستین به سواک آیدنگان و "یامداد" و دهها تشریف دیگر دوران طاغوت

این مطبوعات و فعالیت عناصر خرابکار تا آنجا که ماسک این می‌دهد که آماج اصلی در مقابل آن‌ها قرار داشته است. دم از خطاب خصمی و تضعیف رهبری امام خمینی و تاثیر

بوعه" امیرالیم جهانی از زیر ضربات کوبنده انقلاب و بهت سازش با امپریالیسم و ارتجاع جهانی و دشمنی با قدامت‌پرستی و پوزیزه جلوگیری از توسعه مناسبات جنبش‌های مترقی اسلامی که در خط اول جنبه علمی

آشتی‌ناپذیری میان نیروهای انقلابی مصلحان هوادار خط و سالیسم علمی که بر پایه شناخت درست علمی خود به خط امام خمینی پی برده و با تمام نیرو در راه پشتیبانی از امپریالیسم و ارتجاع و سازشکاران در این میدان حزب توده

فا در "یادداشت" برزیسکی به وزیر خارجه آمریکا بعنوان

انقلاب برای "الفا" ایدئولوژی "به طور دانه‌دانه کار و یا روشن تر بگویم مارکسیسم آمریکایی بود. گروهک از باطن‌های ایجاد شده بوسله امپریالیسم جهانی است خاهی "لیبرال" ها در مقامات حساس دولتی و در مگر با زدن ماسک "اسلامی" خود را در اطراف دولتمردان لایبی نوریت جای دادند و به این ترتیب معجون خطرناک می و "مارکسیسم آمریکایی" بوجود آمد که در دو جهت نام "اسلام" توده‌های انقلابی را از خطی گیرامام خمینی رکسیسم" سازران کم تجربه و ناگاهی را که به سوسیالیسم سی آمریکا نگه دارد.

که در جریان سر انقلاب "الفا" ایدئولوژی "از همان جاع که برای ضد انقلاب داخلی که نیروهای سازشکارو با پیوستند، نا همان وسایل همیشگی، یعنی "اسلام" می ماثوئیس و شهماثوئیس با ترکیبات تازه متازده برای رین انقلاب کوهنشد ایران از دست گیری اساسی کعدر بیرون کشیدن امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا بیوستن به جنبه نیروهای ضد سوسیالیستی در منطقه، تانه میان ایران و جنبه جهانی ضد امپریالیستی بوسله از اتحاد و همکاری نیروهای راستین انقلابی ایران در جنبه کبری بوده است.

ایدئولوژی را در صحنه جهانی و درون ایران نشان "اسلام" آمریکایی و "مارکسیسم آمریکایی" توجه کنیم. رزبان ملی‌های اعظم و صدام حسین‌ها و در داخل ایران زبان لیبرال‌ها تلخ می‌کنند و حتی رادوهای اوسبی و می همه دنیالشی را می‌گردند که گویا اسلام انقلابی ایران سوسیالیسم و در راه "سازش" یا کونیسم جهانی امام خمینی و طرفدارانش از اسلام روگردان شده‌اند. ملی و بزید به حسن این‌علی وارد می‌ساخت.

شد که اسلام انقلابی با آمریکا ساخته و آسما ساخته و

سیم علمی، هم "اسلام" آمریکایی و هم "مارکسیسم آمریکایی" سالیسم علمی را منجم می‌کنند که به "مارکسیسم واقعیتی" گذاشته‌اند. آنها به هواداران سوسیالیسم علمی توسعه به گروهک‌های ماثوئیتی و شهماثوئیتی ببیوندند زیرا

و "کپهان" دوران سرپرستی دکتر بزدیو "انقلاب اسلامی" بک‌های فدائی خلق برسی کیم می‌سیم که در آنها یک که چریک‌ها تا وقتی با خط امام خمینی در ستیز بودند که در راه پشتیبانی از این خطوست‌گیری ضد امپریالیستی سیم محرف شده و در راه "ارتداد" و "فرصت‌طلبی" و مزدوری گام گذاشته‌اند.

رد که همه تأیید کنند ما این واقعیت‌اند که "اسلام" آمریکایی و آگاه‌مدر همان سنگبیری‌های عمده "الفا" ایدئولوژی

ارند. یفات برخی محافل نفاق افکن داخل ایران را با یکی از ته به امپریالیسم آمریکا و انگلیس و دار و دسته حجتار و

من تحلیل خود از اوضاع ایران چنین گفته است: شعور آ می‌خورند و سر یک ازدها و دو اسب یک‌درد که ساه و همان یگانگی منافع دو استعمار کهن در ایرانست. فایم راز نخستین روزهای فتنه‌موتبار... به چشم دیدیم. ما همین بگویم که به سادگی می‌توان از توده‌های ایران و وحدت مایع و همکاری سیاسی و ژئوپلیتیکی و استعمار

سرخ و سباه را سرچشمه وحدت کلمه و وحدت عمل آخوندیسم و توده‌ایسم نامید. مفاهیم مشترک در سخنرانی‌های آیت‌الله نورالدین کیانوری و رفیق سید محمد حسین بهشتی از همین همکاری سیاسی و ژئوپلیتیکی دو ارتجاع سرخ و سباه سرچشمه می‌گیرد. بسنید چنانچه خجاست و ردالت در این "تحلیل"، در این الفا" ایدئولوژی نهفته است. سنجید چنانچه از همین این تحلیل و بسیاری از تحلیل‌های روزنامه‌ها و دولتمردان لیبرال که مانند بولدوهرهای مجیزه "اسلام" آمریکایی و گروهک‌های مجیزه "مارکسیسم آمریکایی" و آنان که در دام اس "الفا" ایدئولوژی افتاده‌اند شهادت حیرت‌کننده وجود دارد. حیرت‌انگیز است!!

اصطلاح "الفا" ایدئولوژی در هفته‌های اخیر از طرف آقای بنی‌صدر در جدل‌های سیاسی ایران مطرح گردید و محتوی آن را دقیقاً از مندرجات "کارنامه" ایشان نقل می‌کنیم (رجوع شود به شماره‌های مربوطه روزنامه "انقلاب اسلامی" و "زنجیر")

باید گفت که آمریکا سخت به کار الفا" ایدئولوژی مشغول و در این کار پیش رفته است قدرت مقابل او هم به شوه‌خاص خود برای الفا" ایدئولوژی عمل می‌کند... روشی که اینها (۱) برای الفا" ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آنها رنگ آن ایدئولوژی (۲) که مال خودشان نیست و به اصطلاح غالب است را به خودشان می‌دهند و می‌روند توی آن خط... بعد یک هماهنگی بین آنهاش که ایدئولوژی مارکسیستی مطابق میل ابرقدرت روس را تبلیغ می‌کنند (۳) با آنها که رنگ ایدئولوژی غالب بر جامعه را پذیرفته‌اند (۴) به وجود می‌آورند. اینها که ایدئولوژی مارکسیستی متناسب با ابرقدرت روس را دارند تبلیغ مرام خودشان را می‌کنند. یا به پای اینها (۵) آنها که در رنگ و لباس دیگر (۶) مشغولند هم با استفاده از اصطلاحات آن ایدئولوژی (۷) همین مفهوم و مضامین را به اصطلاح خود خرد خرد جا می‌اندازند و همین رفتارها را خرد خرد جا می‌اندازند طوری که به تدریج که جلو می‌روی می‌بینی اسم کلمات و عناصر یک چیزهای هستند. ملاحظه کنیم ظاهرشان اسلامی است اما محتوی همان محتوی است که آن دسته دارای ایدئولوژی طرفدار قدرت روس دارد حال اگر مجال بدست آوردند مثل همان "بهبانیه اعلام مواضع" (۸) بهانه هم صادر می‌کنند و به اصطلاح اعلام مواضع می‌کنند، بیوست و رنگ می‌اندازند و می‌گویند، همانیم کمبودیم. اما اگر ببینند اوضاع مناسب شد می‌گویند، تحول ایدئولوژیک پیدا کردیم.

آقای بنی‌صدر با طرح مسئله "الفا" ایدئولوژی بحث بسیار مهمی در جدل‌های سیاسی وارد ساختند. ولی در تحلیل متخص ایشان چهار نکته جالب توجه به چشم می‌خورد:

نخست اینکه در آغاز سخن اینطور بیان می‌شود که:

"باید گفت که آمریکا سخت به کار الفا" ایدئولوژی مشغول و در این کار پیش رفته است. همه غلامفندان به جنبش انقلابی ایران که متحداً به این نظریه که آمریکا دشمن شماره یک میهن ما و همه محرومان جهان است، می‌خواهند بداندند آمریکایی که ۳۰ سال حاکم مطلق بر سرنوشته کشور ما بوده و هزاران مامور و کارگر و خدمتگزار و جاده صافکن در طبقات غارتگر و سواک‌ها و سایر طاغوتیان در میان روستاگران دارد. آمریکایی که هزاران هزار از روستاگران مادر دستان‌های "الفا" ایدئولوژی" دانشگاه‌های آیدیه‌ماد "آمریکایی که گفته‌اند خود آقای بنی‌صدر تجاوز دارد و دست‌ها را علیه میهن ما به راه انداخته و از آن پشتیبانی می‌کند، آمریکایی که خود آقای بنی‌صدر خوب می‌داند که هم اکنون در بلوچستان و فارس و کردستان و آذربایجان غربی در صدد تدارک شورش‌های تازه علیه جمهوری اسلامی است، چگونه و با چه شیوه و به ویژه با چه ابزارهایی، با چه گروه‌هایی و چه شخصیت‌هایی نقشه "الفا" ایدئولوژی "خود را" سخت دنبال می‌کند؟ این ملاحظان هنوز هم برای روشن شدن چشم‌براه توضیحات آقای بنی‌صدر و همکاران متخص ایشان در رشته "الفا" ایدئولوژی" هستند. ولی آیا باید همین‌طور چشم‌براه باقی بمانند؟ به نظر ما طرح مسئله "الفا" ایدئولوژی" درست به منظور و با هدف "الفا" ایدئولوژی" انجام گرفته است و بالااقل طرح این مسئله نشانه این است که چگونه آقای بنی‌صدر با علم به خطر "الفا" ایدئولوژی "خود در دام این "الفا" ایدئولوژی افتاده‌اند.

نکته دومی که توجه را جلب می‌کند این است که آقای بنی‌صدر که خود را از مدافعین سر- سخت اخلاق اسلامی و منزلت انسانی معرفی می‌کنند، چگونه خود اجازه می‌دهند حتی بدون ارائه یک نمونه منصرم بفرمود چنین تاروایی را به دو جریان سیاسی وارد سازند. ایشان از یک طرف توده ایران افترا می‌زنند که کسانی از میان خود مامور کرده تا با گذاشتن ماسک اسلامی در داخل روحانیت مبارز رخنه کنند و از گنجی زبوشن اصطلاحات اسلامی نظریات مارکسیستی را، آن هم نه نظریات مارکسیستی، بلکه نظریات مورد نظر ابر قدرت روس را تبلیغ کنند و بعد اعلام مواضع کنند و مانند خاشاک ماثوئیت از پشت خنجر به دستان بزنند. ایشان از سوی دیگر، افرادی از روحانیت مبارز و مبارزان جوان پیرو خط امام را تنجم می‌کنند که دروغ‌گو و زورمند و در واقع توده‌های هانی هستند که رنگ اسلام به خود گرفته‌اند.

ایشان چگونه این اقراها را با "اخلاق اسلامی و انسانی" سازگار می‌دانند؟ بگذریم از تمام دیگر اقراها و تهیت‌هایی که از زردخانه سیا و موباد و ساواک به عاریت گرفته می‌شود و هر روز در روزنامه" ایشان به حجت توده‌ایران پرتاب می‌شود.

اما نکته سوم تنها موجب شگفتی است. چگونه می‌شود که آقای بنی‌صدر که به این روشنی سنا روی تخیلی خود را در زمینه "الفا" ایدئولوژی" تنظیم کرده‌اند و با آن نگاه تیزبین عیاق قلوب توده‌های بختی (۱) و بختی (۲) را دیده‌اند فرصت نگردمانند که نگاه سادف‌های به اطرافیان طرازلول خود بیاندازند تا در چهره‌های تانباک بسیاری از آنان ماثوئیت‌های ناب‌ویر سابقه "تازه سلمان شده" و لیبرال‌های ناب‌ویر و پراست‌تر را ببینند که تنها در دستان این است که چرا ستم‌گیری اصل انقلابی، جرئت می‌کند که تا "روی دم پلنگ خون خوار آمریکا بگذارد" یعنی کسانی را ببینند که تنها در راه "الفا" ایدئولوژی در دو جهت عمده "اللقاط" اسلام "آمریکایی" و "مارکسیسم" آمریکایی گام برمی‌دارند و کین‌توزانه با اسلام امام خمینی و مارکسیسم راستین دشمنی می‌ورزند.

چهارمین نکته این پرسش است که آیا آقای بنی‌صدر بین این ارزیابی خود و ارزیابی‌های مشابه از سوی محافل شناخته‌شده دشمن انقلاب ایران، مانند رادوهای بختار و اوسبی شاهیستی نمی‌بینند؟ و چگونه است که از مواضع بقلی کوتاگون، یعنی از مواضع آشکارا ضد انقلابی بختیار اوسبی و از مواضع آقای بنی‌صدر که مسلماً مخالف تجدید سلطه امپریالیسم آمریکا بر میهن ما هستند، "ارزیابی‌های" مشابهی ارائه می‌شود؟ مخصوصاً که این "ارزیابی‌ها" بر پایه فاکت‌ها و واقعیت‌های موجود انجام نمی‌گیرد، بلکه "ارزیابی‌های" انتزاعی و ادعایی در جهت "اثبات" موضع‌گیری‌های معین هستند. آیا در این پدیده نشانی از "الفا" ایدئولوژی" وجود ندارد؟ رادو صدای بختیار روز ۵۹/۹/۲۲ در گفتاری چنین اظهار عقیده گردانست:

"محمد موسوی خوشبختی‌ها، آخوند توده‌ای و معاون مجلس به اصطلاح اسلامی به سفر گویا در ایران گفته است که آرزو دارد سفارت جمهوری اسلامی هر چه زودتر در هاوانا پایتخت کوبا دایر شود.

بستن پیمان حمل کالا از طریق روسیه شوروی و اکنون زرمه" برقراری روابط نزدیکتر سیاسی با کوبا" محافل سیاسی جهان را متوجه این نکته کرده است که آخوندها بسیار به کونیست‌ها نزدیک شده‌اند. آنچه که شگفتی این محافل را برانگیخته این است که چگونه آخوندهایی که خود را مذهبون بیرواقرص معرفی می‌کنند، با کشورهای کونیستی... این چنین صمیمی شده‌اند.

به این جملات توجه کنید: "آخوند موسوی خوشبختی‌ها از سال‌ها پیش با حزب توده تماس نزدیکی داشته و در اجرای حمله به سفارت آمریکا در تهران یکی از گردانندگان صحنه بوده است. او مدتی بعنوان عضو شورای تروریستی به رادیسو و تلویزیون رفت و عناصر به گفته خودی لیبرال را مورد تصفیه قرار داد و

- ۱- به نظر ما مقصود آقای بنی‌صدر حزب توده ایران است.
- ۲- به نظر ما مقصود آقای بنی‌صدر، ایدئولوژی اسلامی خط امام خمینی است.
- ۳- منظور حزب توده ایران است.
- ۴- یعنی توده‌های‌هایی که لباس اسلامی پوشیده‌اند و رنگ اسلامی به خود زده‌اند. میتوان اینطور فکر کرد که احتمالاً نظر آقای بنی‌صدر از این گروه دوم افراد موثر از رهبری حزبان اسلامی حاکم که در جنبه مخالف ایشان قرار دارند می‌باشد.
- ۵ و ۶ مانند ۳ و ۴
- ۷- به نظر ما مقصود آقای بنی‌صدر ایدئولوژی اسلامی است.
- ۸- به نظر ما مقصود آقای بنی‌صدر اعلام پوشیده‌اند و رنگ اسلامی به خود زده‌اند. میتوان محاسبین خلق کرد که احتمالاً نظر آقای بنی‌صدر از این گروه دوم افراد موثر از رهبری حزبان آزادی طبقه کارگر در همان مواضع، ماثوئیتی و شه ماثوئیتی به فعالیت خود ادا معاد.

توده‌های حزب اللهی‌نما را بر سر کارهای حساس گماشت.

این موضع‌گیری موزبانه رادو بختیار با کمال تاسف در تمام تحلیل‌های پیاده‌کنندگان خط برزیسکی و لیبرال‌های جاده‌صاف‌کن سازش و تسلیم به آمریکا با دقت و شهادت شگفت‌انگیزی دیده‌می‌شود. هدف همه اینها همان "الفا" ایدئولوژی" به اقتدار کم‌آگاه مبارزان مسلمان است در آن جهت که هر گونه ایستادگی در برابر امپریالیسم آمریکا، هر اقدام و تصمیم در جهت مطرود کردن غارت‌طبقات حاکمه دوران طاغوت یعنی بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران یک اقدام خلاف دین است. از گفتارهای رادو اوسبی و بختیار که در موضع‌گیری لیبرال‌های خودمانی عیناً تکرار می‌شود کاملاً روشن است که دعوا سر لحاف ملانصرالدین است و الا "الفا" ایدئولوژی" از طرف حزب توده بر روی روحانیت مبارز، "خطر حزب توده"، "خطر کونیسم" همه این‌ها فاقیه است. دعوا سر این است که چرا دانشجویان مسلمان پیرو خط امام جاسوسی‌خانه را اشغال کردند و با افشای خط آمریکایی، دولت گام به گام را که تازه دست در دست برزیسکی توطئه گر و جلاذ خون‌آشام گذاشته‌بود، سرنگون کردند. دعوا سر این است که چرا دولت انقلابی ایران علیرغم همه خرابکاری‌های امپریالیسم‌ها و دویسان و مدافعال لیبرالیتی بالاخره با دولت انقلابی کوبا روابط مادی سیاسی برقرار کرد. دعوا سر این است که چرا انقلاب اسلامی ایران بالاخره علی‌رغم همه خرابکاری‌های هواداران خط آمریکا مناسباتش را با کشورهای مسلمان که در خط اول نبرد علیه سوسیالیسم یعنی مهم‌ترین سنگر امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه قرار دارند، دوستانه کرد و در راه تحکیم این مناسبات گام برمی‌دارد و چرا با پاکستان و عربستان سعودی و اروپای غربی و ژاپن و چین و بالاخره آمریکا مناسبات "برادرانه" برقرار نمی‌کند.

دعوا سر این است که چرا هواداران خط امام خمینی عده‌ای از عناصر مورد "علاقه" بختیار و اوسبی را که با کمک و دستکاری لیبرال‌های مشهور بیست ماه پس از انقلاب در رادیسو و تلویزیون نگه داشته شده‌بودند، بیرون ریختند.

دعوا سر این است که چرا دولت جمهوری اسلامی و هواداران خط امام برای شکستن حلقه محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا که هر روز تنگتر می‌شود و با تحریکاتی که در حزبان است ممکن است باز هم تنگتر شود، از راه بستن قرارداد ترانزیت با کتوری که پشتیبان انقلاب ایران است اقدام می‌کند.

دعوا سر این است که چرا روحانیت پیرو خط امام می‌خواهد به یکی از ننگین‌ترین اشرار نظام طاغوتی سلطنتی و غارتگرانه سرمایه‌داری وابسته یعنی بزرگ‌مالکی پایان ببخشند و میلیون‌ها خانواده دهقان بی‌زمین و کم‌زمین را مالک رزمینی کند که روی آن جان می‌کنند و کار می‌کنند و نان همه مردم را تهیه می‌کنند، و اگر این کار را می‌کنند، این یک اقدام کونیستی و بر خلاف دین اسلام است.

درست معلوم است که چرا رادوهای بختیار و اوسبی این چنین به روزه افتاده‌اند و می‌گویند به مردم ناگهان اینطور "الفا" کنند که گویا این اقدامات همه کونیستی است و حتی اگر دولت برای مبارزه با متحرکان حیرمندی را به جریان بچندارد آن هم "کونیستی" است و با توانین اسلام (البته مقصود آنان "اسلام" آمریکایی" است) تفاداشتی تا پذیر دارند.

جرم "حزب توده ایران این است که چرا مانند چکرابان مبتلا به بیماری‌های کودکی در مبارزه سیاسی علیه این اقدامات موضع خصمانه نگرفته است. جرم حزب توده ایران که تنها در جهت تأمین خواست‌ها و حقوق حقه" توده‌های دهها میلیون بی‌سختکشان عمل می‌کند این است که این اقدامات نیروهای پیرو خط امام را در جهت تأمین خواست‌ها و حقوق محرومان جامعه در جهت تأمین استقلال ملی دانسته و با تمام نیرو از آن پشتیبانی کرده و می‌کند.

البته برای حزب توده ایران افتخاری بالاتر از این نیست که دشمن انقلاب ایران هرکامی را که در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران، در جهت پایان بختیار به تسلط جابراجه، غارتگرانه و جنایت‌بار امپریالیسم جهانی و بیش از همه امپریالیسم آمریکا، در جهت دفاع از منافع محرومان جامعه، در جهت محدود کردن غارت بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته برداشته شود معمول "فعالیت" و "القائات" ما بدانند این سند افتخار ما است.

ولی واقعیت این است که هدف ضد انقلاب و سازشکاران و جاده‌صاف‌کن‌ها هرگز این نیست که با این "القائات" خود به اعتبار حزب توده ایران بجزانند. برعکس نقشه "الفا" ایدئولوژی" آنها که برای توده‌های ناگاکه و کم‌آگاه تنظیم شده هدف کاملاً دیگری دارد. آنها برای رسیدن به این هدف نامحلی در چهارپرده اجرا می‌کنند.

پرده نخست این که از سوسیالیسم تصویر وحشتناکی عرضه دارند و این‌طور تبلیغ کنند که در کشورهای سوسیالیستی بدبختی صدچندان بیشتر از آن بدبختی‌هایی است که مردم ایران هر روز با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند. از آن جمله مثلا در اتحاد شوروی با ۲۶۰ میلیون جمعیت، سالانه به طور متوسط بیش از ۲۰۰ میلیون تن غله تولید می‌کند، کوبا مردم هنوز در کشتی بصر می‌برند. در عین حال مسافرت به کشورهای سوسیالیستی را ممنوع می‌سازند تا کسی به آنجا مسافرت نکند و واقعیت‌ها را از نزدیک خود به چشم ببینند.

در پرده دوم این سوسیالیسم وحشتناک را متجاوز معرفی می‌کنند و دانشا الفا" می‌کنند که شوروی می‌خواهد ایران را تصرف کند و هست و نیست مردم را غارت کند یعنی آنچه را که مردم ما طی سی سال گذشته به چشم خود از جنایات امپریالیسم آمریکا دیده‌اند، به محال سوسیالیسم جهانی بگذارند. در این قسمت از تپاشی، دستگاه "الفا" ایدئولوژی تا آنجا به راه رفته است که حتی خلق‌های قهرمان ویتنام و کوبا را که حماسه آفرینان تاریخ معاصر ما در میدان نبرد با امپریالیسم جنایتکار آمریکا هستند، به صورت خلق‌های متجاوز معرفی می‌کنند. دهها و دهها گفتار در این زمینه از رادو و تلویزیون ایران موبد این واقعیت است.

پرده سوم حاکی از این است که گویا این "سوسیالیسم وحشتناک متجاوز" در ایران سیاست خود را به دست هواداران "مارکسیسم روسی" پیاده می‌کند و این "مارکسیست‌های روسی" هم همگی در حزب توده ایران گرد آمده‌اند.

اگر هم تا کنون به سیاست و عمل حزب توده ایران نتوان ابرادی گرفت، این از زبوری و نفاذی آن است که زیر پوشش مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب و پشتیبانی از خط امام، می‌خواهد آمریکا و اروپای غربی و ژاپن را از ایران بیرون کند تا جاده برای استقرار "سلطه ابرقدرت روسی" هموار گردد.

پرده چهارم، هرگز در ایران حرفی بزند که مخالف خط آمریکا باشد. هر نهادی که ادعا می‌کند که مخالف خط آمریکا باشد، حتماً با توده‌های است با روح توده‌ای در او خلول کرده است و لذا باید از دوری کرد، او را نفرین کرد، او را مکار و دورو و یا "آخوسند توده‌ای" نامید.

خلاصه‌سایید راه را "خرد خرد" برای پذیرش ابرت امپریالیستی و طاغوتی در شکل لیبرال‌ها با نه ان هوار ساخت تا بتوان از "خطر کونیسم" و "خطر حزب توده" جلوگیری کرد. و این در واقع همان راه "گام به گام" پیاده کردن استراتژی سیاسی امپریالیسم جهانی است که هدف اساسی‌اش جدا کردن جنبش‌های رهایی‌بخش ضد امپریالیستی خلق‌های محروم از نده‌ترین بخش جنبه نیروهای ضد امپریالیستی، یعنی کشورهای سوسیالیستی است.

انقلاب ایران یک واقعیت تاریخی است - در این واقعیت تاریخی یک واقعیت تاریخی دیگر هم وجود دارد که این انقلاب را "کوچ‌نشینان" یا "بشین شهری" - محرومان شهروستا - توده - های دهها میلیونی با این جان‌گذشتگی حماسه‌ای به پیروزی رسانند - هدف آنها از این سبورد این بود که محرومیت‌های جان‌فرسایان پایان پذیرد و بجای نظام غارتگر و جنایت‌بار و فاسد طاغوتی، نظام عدل و داد انسانی برقرار گردد. در یک کلام این توده‌های دهها میلیون محرومان خواستار ریشه‌کن ساختن تسلط جابراجه" امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا - تأمین کامل استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور، تأمین آزادی و جانشین ساختن نظام عدل اسلامی واقعی به جای نظام طاغوتی و اسلام آمریکایی بودند. خط امام خمینی و پیروان آن با زبانت همین خواست‌ها بود. این خط‌ها خواست‌های سرمایه‌داران و بزرگ مالک‌کسان انطباق نداشت و نمی‌توانست داشته باشد. به همین سبب از همان آغاز بین این خط و مخالفانش در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی کشمکش آغاز گردید و این کشمکش هراندازه که روند انقلاب در جهت آماج‌های "سایش گسترش می‌یابد، شدت بیشتری پیدا می‌کند.

امپریالیسم و ضد انقلاب و کلیه" اقتدار اجتماعی وابسته به سرمایه‌داران و ملاکان می‌گویند تا از یک سو با انواع گوناگون اعمال قهر ضد انقلابی و از سوی دیگر با الفا" ایدئولوژی "خدانقلابی" و بالیبرالی توده‌های محرومان را تحت دچار گیمی کرده و کم‌کم و کام به گام از دست‌گیرسای واقعی انقلاب منحرف نمایند.

در جوانان این مبارزه، مانند همیشه در تاریخ، جریان الفا" ایدئولوژی در یک سبب انجام می‌گیرد: از سمت طبقات و اقتدار ممتاز جامعه به سمت طبقات و اقشار محروم. در طرف لیبرال‌گرایان بقیه در صفحه ۶

کارگران حصریاتی بروجرد: زن و مرد، پیر و جوان باید آموزش نظامی ببینند

معمولا دستهایشان بینه بسته، متورم و پرا زخم است آنها بصورت روز مزد کار می کنند و به ازای هر متر حصر و تومن دریافت می کنند. که با احتساب ده ساعت کار، دارای درآمدی حدود شصت تومان در روز هستند. برای اطلاع از وضع زندگی و کار کارگران حصریاتی باید چند تن از آنها به گفتگو نشستیم: شهیدی سیف الله که هفتاد سال دارد و وقت نحیف و خمیده اش را به

سختی بر روی حصر می کشد. گفت: "از هفت سالگی تا کنون به این کار مشغول بوده ام. روزانه درآمدی بین ۲۰ تا ۶۰ تومان دارم، که با این گرانی سرام آور نیدانم چه کنم. من و پسرم با هم زندگی میکنیم و هر کدام در ماه مبلغ سیصد تومان کرایه می پردازیم."

سریوش کار می کنند و به همین علت در مواقعی از سال که بارندگی وجود دارد نمی توانند کار کنند. در نتیجه کار آنها از واسطه بهار شروع میشود و تا پاییز ادامه دارد. در نتیجه آنها اجارا چند ماهی از سال را بیکار رند. کارگران حصریاتی بدلیل اینکه در هنگام کار باید حصر را در حالت نمناک نگه دارند، اغلب به بیماری روماتیسم مبتلا می شوند و چون با دست کار می کنند جزو محروم ترین زحمتکشان اند. تعداد آنها در شهر بروجرد به دهها نفر بالغ می شود. این زحمتکشان در نقاط مختلف این شهر و بطور پراکنده کار می کنند. کار حصریاتی از بیرون حالت کم درآمدترین حرفه ها است. این کارگران به علت پراکندگی، هیچ گونه تشکیلات صنفی ندارند. اغلب حصریاتیان در محیط های بدون

دشواری است. حصریاتی دیگری گفت: "در قانون اساسی چیزهای خوبی وجود دارد، ولی تا بحال پیاده نشده اند. او درباره مشکلات کار اظهار داشت که: "خانه ما را به خاطر عریض کردن خیابان خراب کرده اند و شهرداری از بابت خانه مبلغ چهل هزار تومان بمن پرداخته است، ولی با این گرانی مسکن، با این پول جزئی تا بحال نتوانسته ام خانه بخرم. میس نظرا و رادر مورد جنگ تحمیلی جویا شدم. گفت: "انتظار ما از دولت انقلاب این است که به وضع مستضعفین رسیدگی کند و دست سرمایه داران را کوتاه کند. دولت باید محترکریین را مجازات کند و برای مبارزه با گرانی و بیکاری چاره ای بیاندیشد. او در پایان اضافه کرد که: "اکنون که ما درگیر جنگ هستیم، باید همه در بسیج شرکت کنیم. زن و مرد پیر و جوان باید آموزش نظامی ببینند. این انقلاب مانند نهالی است که هنوز ریشه اش محکم نشده است. ما با هر بیاد و طوفانی به این سو آیم و آن سو خم میشود. حداقل کاری که ما می توانیم بکنیم این است که، باغبان خوبی باشیم."

حزب توده با مکر و حیله و هواداری از خط امام دم لای تله نمی دهد و دارد از اختلافات موجود بین نیروهای خط امام و جبهه های مخالف خط امام انت به سود خود فرصت طلبانه اعتبار و نفوذ جمع می کند. یکی برای "توجه" هتاک حقیر و مشرک کننده خود به حزب توده ایران بهانه می آورد که گویا کسی در جایی پشت جلد یک کتاب را تغییر داده (شاید هم اصلا چنین چیزی در حقیقت وجود نداشته و تنها برای این منظور خلق شده است). یکی هم علیه روزنامه ارگان حزب توده ایران "اعلام جرم" می کند که چرا وضع گرفتن بخشی از نقل قول از فلان شخصیت را به اشتباه ثبت کرده است. از طرف خبرگزاری پارس خبر جعل شده "تحریک میزدروغ درباره" حزب توده ایران به سر اسد نامظیره می شود.

سخن کوتاه و بیجا و راست بهانه گیری و دلیل تراشی تنها برای هجوم و هتاک و افترا زنی به حزب توده ایران. چرا؟ باز هم چرا؟ یکی حزب توده ایران را متهم می کند که اخوند شدم است و دیگری متهم می کند که آخوندها را کمونیست کرده است. به راستی برای خود مسئولین حزب توده ایران هم کار دشواری شده که چگونه در این کلاف سردرگم سرخ را پیدا کنند. ولی ما گوش کرده ایم که بالاخره این سرخ را بیرون بیاوریم.

علت این حمله از سوی امیرالیم و ضد انقلاب و لیبرال ها و مائوئیست ها و همپالکی هایشان روشن است. بهترین معرف انگیزه این محافل را از این حمله عمومی به حزب توده ایران می توان در یک جریان تاریخی دید که یکی از هم زمان مبارز نستوه و فقه عالیقدر آیت الله طالقانی نقل کرده است.

آقای طاهر احمدزاده در مقدمه بحث اول فصل سوم کتاب "طالقانی و تاریخ این طوری نویسد:

"نهم - ایجاد جو ابهام در جامعه هنگامی که در چنین شرایط مناسبی امیرالیم می خواهد توطئه های را برپا کند احتیاج به آن دارد که جو جامعه دچار ابهام شود. در نهضت مشروطه... توسط عباس آندی رهبر بهائیان ها در "عکا" لوحی به بهائیان ایران و سران مشروطه ایران صادر شد... عین همین جریان را مادر نهضت ملی در زمان مرحوم شادروان دکتر محمد مصدق می بینیم. منتهی بر حسب دوره نهضت مشروطه بهائی گری بود و در نهضت ملی برجست "کونیم". تبلیغات آنچنان گسترده بود و بصورتی درآمد که به مردم این طور نشان داده شد که جبهه ملی یعنی تسلط کونیت ها بر ایران، حال اسلام در خطر است برای نجات آن باید قیام کرد. این جا است که باید از "مرحوم آیت الله طالقانی" یاد کنم که خود ایشان برای شخص بنده تعریف کردند:

"در منزل آیت الله بهبهانی که از علماء درباری بود تنی چند از نویسندگان هم نشسته بودند که به آنها محور می گفتند. در منزل ایشان (آ. بهبهانی) عده ای دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد بود. نویسندگان ما جوهر قرمز بهاضای جمعی حزب توده ایران برای علمه و آنه جماعت سرتا سر ایران با پست نامه نوشتند که محتوای آن این بود: "که ما بزودی شما را با شال های سرتان بالای تیرهای چراغ برق به دار خواهیم زد. امضا حزب توده"

آنها آن مطلب را از منزل آقای بهبهانی می نوشتند و می فرستادند. یکی از نویسندگان که با آیت الله طالقانی آشنا بود برای ایشان می گوید: "... آنقدر تشستیم و نوشتیم که مدتها بعد از ۲۸ مرداد انگشت های ما درد می کرد."

این خطی بود که روزنامه های آمریکایی - انگلیسی تهران محور و "شاهد" و نظایر آن ها قبل از ۲۸ مرداد یعنی در دورانی که حزب توده ایران با تمام نیروی خود از سیاست دکتر مصدق پشتیبانی می کرد با بیگیری دنبال می شد و اکنون از طرف لیبرال ها و مائوئیست ها و ضد انقلاب و بویژه ارگان های مطبوعاتی آن ها روزنامه های میزان و انقلاب اسلامی و ورق پاره های ترجمه های یوک دنبال می شود.

و اما علت اساسی هجوم همجانبه از سوی آن محافل و شخصیت هایی که در ظریف هواداران سمت گیری ضد امیرالیم و خلقی انقلاب جای دارند یعنی آقای بنی صدر (بدون همکاری مائوئیست شان) مگر دانشمندان روزنامه جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق و مجله سپاه پاسداران و شخصیت هایی که در هر سخنرانی بدر هر مسجد و هر منبر علی الحساب هم شده مقداری افترا و اتهام از همان بزاد خانه کذائی نثار حزب ما می کنند این است که صاف و ساده در موضع گیری ها و ارزیابی های مشخص حزب توده ایران در جریان انقلاب کوچکترین ایراد مشخصی نمی توانند بگیرند و این موضع گیری ها و ارزیابی ها آینه های شده است که در آن همه نقاط ضعف، کمبودها و اشتباهات و انحرافات از سمت گیری واقعی انقلاب نمایان می گردد. پس مسلم است که آینه های را که ضعف ها را نشان می دهد باید شکست.

اینجا است که این پرسش بعجا مطرح خواهد شد: آیا این هجوم کنندگان و هتاکان و تئوری سازان تصور می کنند که بالفرض با شکستن و یا لااقل با سیاهی کشیدن بر روی آئینه ضعف نما ضعف ها و زشتی ها از بین خواهند رفت؟ آیا واقعا، اگر حزب توده ایران فردا فعالیت سیاسی خود را برای مدتی تعطیل کرد، دیگر مسائلی که پایه اختلاف جبهه ضد خط امام خمینی با خط امام خمینی است همه از بین خواهند رفت و صلح و دوستی بین لیبرال ها و محسرومان جامعه بزرگوار خواهد شد؟ اکثریت مجلس به طیب خاطر رئیس جمهور و رئیس جمهور به طیب خاطر اکثریت مجلس عمل خواهند کرد؟ کودکان است اگر اینطور تصور کنیم!

واقعت این است که اختلافات در درجه نخست محصول موضع گیری های مشخص دو طرف اختلاف در زمینه برخورد با اساسی ترین مسائلی است که در مقابل انقلاب قرار گرفته اند، یعنی ریشه کن کردن تسلط همجانبه امیرالیم و انجام دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه و به زبان غارتگران. این کار هم با شعار و با تئوری به "تسلیم تبسم" انجام نمی گیرد و تنها با تصمیمات قاطع و بیگری انقلابی می توان این مسائل را حل کرد.

جای حزب توده ایران هم در هر شرایطی کاملا روشن است. حزب توده ایران در موضع دفاع از استقلال و آزادی و دگرگونی های بنیادی به سود زحمتکشان جای گرفته و همیشه در همین موضع جای خواهد داشت. مبارزان توده ای نشان داده اند که حتی در لحظه ای که به جوب تیرباران بسته شده اند از این موضع گیری دور نگشته اند.

«القاء ایدئولوژی» ...

بقیه از صفحه ۵

و سخنگویان سازمان ها و گروه های وابسته به طبقات و اقشار ممتاز و ممتازتر به طرف طبقات و اقشار میلمونی محروم و محروم تر.

زیر تر شدن روند انقلاب در درجه نخست و به طور تعیین کننده تابع شرایط و عوامل عینی جامعه کونی ایران است و روشنگری نیروهای آگاه و بهر شو هوادار محرومان تنها می تواند آنچنان را آنچنان تر نماید یعنی توده های محروم را در جهت آماج های به حق شان تشویق و تجهیز کند.

در مقابل انقلاب ایران چه بخواهیم و چه نخواهیم دو دورنما وجود دارد و هر چه غیر از این دو دورنما داده، همان سمت گیری است که تا کنون داشته است. یعنی در جهت هر چه بیشتر ریشه کن کردن راه های تسلط امیرالیم و بستن راه های تجدید اشکار و پنهانی بازگشت این تسلط و هم چنین در جهت تامین بازهم بیشتر حقوق حقه محرومان و کوچ نشینان و مستضعفان از یگانه راه محدود کردن هر چه بیشتر و مسدود کردن راه های غارت چپاولگران بزرگ مالک و کلان سرمایه دار. دورنمای دوم، این است که این سمت گیری با شکست روبرو شود، "القاء کنندگان" و یا کودتاچیان موفق شوند مسیر تکاملی را که جامعه ما در چند سال اخیر در پیش گرفته به عقب برگردانند و بالاخره نظام اسلام - امریکائی ساداتی و ضیا الحقی و یا نظام "ملی امریکائی" بختیاری ساویسی یا همکاری امریکائی را جانشین روند کنونی سازند.

تجربه دو سال گذشته نشان داده است که امیرالیم و ضد انقلاب تا کنون از توطئه های کودتائی طرفی نیستند و به همین علت سمت گیری اساسی مبارزانه دشمنان انقلاب ایران برای مرحله ای که بلافاصله در پیش داریم عبارت خواهد بود از تلفیقی از حداکثر ایجاد تشنج در درون کنوریا پشتیبانی از خارج و "القاء ایدئولوژی" ضد انقلابی و لیبرالی. هدف از ایجاد تشنج جلوگیری و یا دست کم دشوار کردن تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب است زیرا مسلم است که با هر گامی که در جهت تثبیت انقلاب برداشته شود، امکانات نیروهای ضد انقلابی و نیروهای لیبرال محدودتر می گردد. "القاء ایدئولوژی" ضد انقلابی و لیبرالی هم درست ایجاد تشنج گسترش خواهد یافت و هدفش این است که از آب گل آلود شده به وسیله تشنجات مایه بگیرد و مردم را برای پذیرفتن یک "دست قوی" که بتواند سپهر را از هرج و مرج نجات دهد، آماده سازد و شرایط برای استقرار "نظم آهنین" شبه آریامیری فراهم شود.

با کمال تأسف باید پذیرفت که علیرغم این که انقلاب تا کنون ضربه های دردناکی به این هردو شوگرد و ترغیب نیروهای امیرالیم و ضد انقلابی وارد ساخته و کرچه با کندی گام های مهمی در جهت زرف تر شدن برداشته است، معذالک دشمنان انقلاب هم توانسته اند بویژه با بهره گیری از شیوه "القاء ایدئولوژی" در درون صف متحد نیروهای راستین انقلاب تشنجات و چند دستگی و سوء تفاهات را شدت بخشند. باز هم با کمال تأسف باید پذیرفت که برخی اقدامات بی رویه، نادرست و زیاده روی هایی که از طرف همه نهاد های سیاسی و اجرائی حاکمیت جمهوری اسلامی صورت گرفته و تجاوزاتی که به حقوق مسلم مردم و حتی نیروهای هوادار انقلاب از سوی انحصار طلبان انجام یافته به پیدایش آن زمینه اجتماعی که ضد انقلاب و امیرالیم آن را تر بتوانند به تشنجات دامن زنند و کار "القاء ایدئولوژیک" خود را گسترش دهند، کمک کرده است.

چرا حزب توده ایران آماج شدیدترین حملات از همه سو گردیده؟

مسلم این است که کشور ما از طرف جبهه متحد امیرالیم و صهیونیستی و نظام های ارتجاعی جهان به مرکز دگر امیرالیم آمریکا مورد هجوم نظامی، محاصره اقتصادی و جنگ تبلیغاتی قرار گرفته است. این هم مسلم است که بزرگترین خطر در درون کشور برای انقلاب ایران از طرف ستون پنجم گسترش یافت. این جبهه نیرومند و بهیچانور دشمنان انقلاب ایران است که به طور خطرناکی در تار و پود دستگاه های اقتصادی و دولتی ما جای گرفته اند.

این هم مسلم است که حزب توده ایران در عین این که نفوذ و اعتبار ارزیابی های پیش در دوران انقلاب بالا رفته ولی بدون تردید عامل تعیین کننده در روند انقلاب نیست.

با در نظر گرفتن همه این معلومات مسلم این پرسش بیجا می تواند بشود که چرا در سست در هفته های اخیر که یکی از مهم ترین توطئه های دشمنان انقلاب ایران به صورت تجاوز نظامی دار - و دسته صدام با شکست روبرو شده است، درست در زمانی که اختلافات بین نیروهای از حاکمیت و قدرت جمهوری اسلامی که ضد تشنجات تعیین کننده در تر نوشت انقلاب دارند به میزان بی سابقه ای شدت یافته، درست در زمانی که ضد انقلاب تا آنجا گستاخ شده که به جود اجازه می دهد به رهبر برجسته انقلاب علنا بی حرمتی نماید، چطور شده که به یکبار حزب توده ایران بطوری سابقه ای آماج "هجوم" از همه سوی گردید؟

این که رادیوی صدای آمریکا بی بی سی، رادیو بختیار، رادیو اویسی، رادیو بغداد، رادیو مصر، رادیو اسرائیل - گروه های وابسته ستون پنجم امیرالیم مانند مائوئیست ها و رنجبری ها و غیره - وهم چنین چپ نما ها و چپ گرا های رنگارنگ، خلق مسلمان ها و همدستانشان در روزنامه های در حال انتشار و منتظر الانتشار، لیبرال ها و کام به کامی ها به حزب توده ایران حمله کنند و هتاک می کنند، تعجب آور نیست. این حملات حق ماست برای آنکه عمل حزب ما خنثی کننده واقفان و کننده فعالیت های آن است.

ولی این که در طرف دعوا و اختلاف در حاکمیت یعنی روزنامه "انقلاب اسلامی" متعلق به آقای زینب جمهور و روزنامه "جمهوری اسلامی"، مجله "قیام انقلاب" ارگان سیامیاداران، گروه های وابسته به سازمان مجاهدین خلق هم حزب ما را آماج همان تهمت هایی قرار می دهند که طی بیست و پنج سال حاکمیت طاغوت در آزمايشگاه های مشترک سیا و نوساد و ساواک پخته و پیرداخته شده بودند، شگفت انگیز است. یکی می گوید که توطئه های آمریکا خطری برای ایران نیستند - خطر عده حزب توده ایران است. دیگری می گوید، حزب توده مخالفین مرا "القاء ایدئولوژیک" می کند و اگر حزب توده نبود من هم گاره می شدم. سومی می گوید حزب توده ایران (همانطور که ساواک گفته) در ۳۰ سال پیش خیانت کرده ولی فراموش می کند که ساواک خیانت "حزب توده" را در پشتیبانی از دکتر مصدق دانسته و مانند "شاهد" تهران محور "ادعا کرده که حزب توده دکتر مصدق را "القاء ایدئولوژیک" کرده و او را به طرف کمونیسم کشانده است. چهارمی می گوید

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار ایجاد تغییرات بنیادی در وزارتخانه‌ها گردید. در این جلسه همچنین در مورد خط گرایش به فریب هشدار داده شد.

الوری اولین مطلق پیش از دستور جلسه دیروز، در ارتباط با تغییرات بنیادی، که ناشی از انقلاب است، سخن گفت. وی ضمن اشاره به این مسئله که آیا قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ما باید بر مبنای قوانین انقلاب باشد، یا آنچه که از طاقتور به ما رسیده، اظهار داشت:

مشا اگر به وضع استخوان وزارتخانه‌های ما در دوران دولت موقت نگاه کنید، و وضعیتی که هنوز پس از گذشت ۴ سال از پیروزی انقلاب در این ادارات وجود دارد، متوجه می‌شوید که انقلاب یا خود یکسری قوانین جدید آورده اما سیستم حاکم بر جامعه ما، سیستمی دست‌نخورده از زمان طاقتور بود، که به‌وسیله یک حرکت انقلابی و بنیادی زیر و رو نشد و یکی از کارهایی که در این مقطع زمانی باید حتما صورت گیرد، این است که وزارتخانه‌های ما از این دوگانگی خارج شوند. دوگانگی که یکسری به رژیم شاهنشاهی منطبق و منطبق و یکسری به انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، که می‌خواهد انسان بسازد.

مجلس سبب به مسائل دیگری که امروز کشور و انقلاب با آنها روبروست پرداخت و از جمله به «خط گرایش به فریب» اشاره کرد و گفت:

این خط انحرافی در مقابل خط اصلی انقلاب قرار ندارد... و این آن جریان‌های انحرافی که توانست به علت نبودن تشکیلات گسترده در سطح کشور در اوایل انقلاب خود را بر کرده انقلاب تحویل کند آن جریان انحرافی هنوز هم وجود دارد و حالا جناح‌های آن جریان انحرافی سعی دارند با اتحاد و هماهنگی کامل در مقابل خط اصلی انقلاب، که همانا خط اسلام و امام است، بایستند.

الوری سپس تأکید کرد که بر انقلابیون و اقوامت که جریان‌های انحرافی بخصوص خط گرایش به فریب و

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

انقلابیون واقعی باید «خط گرایش به غرب» را بشناسند و بشناساند

مجلس حمله اسرائیل به جنوب لبنان و اخراج شهرداران فلسطینی را محکوم کرد

ویژگی‌های آن را بشناسند و بشناساند. از آنرو که «یکی از بارزترین نمودهای این خط گرایش به غرب، با اینکه خود را مکتبی می‌داند، عدول از مکتب است، یعنی برای رسیدن به قدرت دائما از مکتب و خط رهبری عدول می‌کند و عجیب اینکه مصر را طرف مقابل معرفی می‌کند و همیشه طرف مقابل را متمدن و انصاف‌طلبی و قدرت‌طلبی می‌کند»

مجلس سبب خطاب به رئیس جمهور گفت: «خط روزگانه انقلاب اسلامی، که بهتر است بگوییم به اصطلاح انقلاب اسلامی، در مقام‌های که تحت‌توان کارنامه رئیس‌جمهور منتشر می‌کنند، مطلقا دوباره طرح قانونی انداره راندی و تلویزیون بوده است»

الوری آنگاه به خواندن قسمتی از این مطلب، که مربوط به تجزیه قوه مجریه به رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران بود و در آن سؤال شده بود که چرا این کار در مورد قوای مقننه و قضائیه نتمه پرداخت و اظهار داشت: «تا غیر از این است که رئیس مجلس و نمایندگان

رئیس شورای عالی قضایی و سایر قضات عضو شورا یک رای دارند»

او آنگاه تأکید کرد که به اعتقاد وی در این طرح قانونی بیش از آنکه باید برای رئیس‌جمهور حق رای در نظر گرفته شده است.

الوری در پایان سخنان خود به وضع بازماندگان نوزادانی خاورمیانه، یکی از شهیدان یادکن لوزیان اشاره و تأکید کرد که به علت حاکم کفایتی ادارات، خانواده این شهید هنوز خانواده شهید محسوب نمی‌شوند

حملات اسرائیل غاصب

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد حمله اسرائیل به جنوب لبنان و سوء استفاده اسرائیل از وضع ناپسند منطقه سخن گفت و سپس افزود:

در همین حال اسرائیل دو نفر از شهرداران متعلق اشغالی را بیرون می‌کند این دو نفر از انقلابیون هستند که

در تهران هم بودند و با وجودیکه شورای امنیت خواستار بازگشت آنها به موطن‌شان شده ولی اسرائیل غاصب به این امر توجهی نکرده است.

رئیس مجلس سپس اظهار امیدواری کرد که ایران بتواند روزی با این برهمناسرها مقابله کند و دست ستم را بشکند او آنگاه این عمل دولت غاصب اسرائیل را محکوم کرد. پس از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، مجلس وارد دستور شد و یک لایحه دوفوریتی در مورد ترخیص کالاهای گمرکی در خوزستان مطرح گردید. ۱۵ نفر نمایندگان ضمن نامه‌ای تأکید کرده بودند که اگر مجلس مرجه سرپرستی در مورد ترخیص کالاهای گمرکات خوزستان تصمیم نگیرد این کالاهای سرپرست کالاهای گمرکات خوزستان شش‌بار خواهند شد. آنگاه در مورد دوفوریتی پویندگان طرح رای‌گیری شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

گزارش دیگری که در این جلسه مطرح شد مربوط به چگونگی مصرف ۱۵ میلیارد ریال برای هزینه‌های عمرانی طرح‌های خنثی‌سازی بود. در این طرح، سهم استانی‌های خنثی‌سازی کشور از همین بودجه و طرح‌های عمرانی موضوع این قانون کتبیانه شده است. در مورد مواد مختلف این لایحه رای گرفته شده که به تصویب رسید.

تغییر ۳ وزارت بهداشتی و پزشکی نیز در دستور کار دیروز مجلس قرار داشته که به آن رسیدگی شد. این مسئله به‌تفصیل چندین مرتبه از وزارت بهداشتی و پزشکی مطرح شده بود. در این مورد چند مسوولان و مخالف سخن گفتند. مخالفان این طرح عقیده داشتند که طرح مزبور تنها تغییر نام نیست بلکه تفکیک دو سازمان از یکدیگر است و باید در مورد آن بررسی بیشتری بعمل آید. آنگاه در این مورد رای‌گیری شد و با کلیات واصل این لایحه موافقت به عمل آمد.

در پایان این جلسه، طرحی که تحت عنوان «مهرمان» محرومان، توسط نمایان از نمایندگان تهیه شده، یساری رسیدگی به مجلس تقدیم شد.

هشدار به مجاهدین

بقیه از صفحه ۱

دانشنگران خودفروش و روحانی-نمایان، که در صدد ایجاد پیوندهای وابستگی به امریالیسم هستند، با تقسیم اراضی میان دهقانان، ملی شدن بازرگانی خارجی، مصادره اموال خارتگران سرمایه‌دار، دولتی شدن مدارس، مجازات جناح‌تکساران ساواک و وابستگان به رژیم پهلوی و... مخالفند و از تصویب این مواضع ضد مردمی خویش، که بواسطه تصویق انقلاب صورت می‌گیرد، خشک‌خندان و مرنازند از سوی دیگر، کارگران و دهقانان زحمتکش‌نشان و ده روشنفکران مترقی و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام قرار دارند که دشمن اصلی را امریالیسم آمریکا می‌دانند و میکوشند تا سنگ بر سنگ منابع وی و طبقات مدافع وی و اعمال آنها باقی نگذارند.

مجاهدین خلق در این کارزار برآیند طبقاتی میان انقلاب و ضدانقلاب، چه مومنی اخذ کرده‌اند آیا آنها مشت‌پروان حسن ددمنش‌ساز و توطئه‌گر را به‌مقامش نمی‌سنجند و صفات تفریبات و روزنامه‌های آنان سکر در مواردی ضدانفرمی نمی‌نورند.

مجاهدین خلق باور قوی دارند که در مسئله مبارزه با امریالیسم آمریکا در سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و تصویب و نابودی انقلاب ایران موافق نیستند. ولی بطور توجیه ندارند و از تجربه تلخ گذشته هیچ درس نگرفته و نیاموخته‌اند که پشت هر گردبادی که به تصور آنان علیه «آزادگی» از یکسو و علیه خط کمونیسم از سوی دیگر، برافه افتاده است، دشمن امریالیسم آمریکایی وارد آوردن ضربه بر انقلاب ایران نیز می‌شود است. آنها آنسان طبع و نوزده را فراموش کرده‌اند.

آنگون در مقابل چشم‌هنگان دو جبهه صف آراستند: در یکسو، خارتگران بازار که به ویژه طی دو سال اخیر چون زغال، از خون خلق فریب خورده‌اند، سرمایه‌داران بزرگ، بازر و بفرش‌ها، زمینداران، قردالها و جناح‌تکساران ساواک و سیا و نمایندگان سیاسی آنها، ام از

خلق روی ته زندگی نمی‌کنند، نظاره‌گر هم نیستند، در وسط صحنه هستند و یمتایه یک نیروی سیاسی متاسفانه خلق هدفهای واقعی خویش و بزخلاق صالحانقلاب، عملا به ضدانقلاب یاری می‌رسانند و در جبهه لیرالها علیه حکمرانهای انقلابی موضع گرفته‌اند.

چرا چنین شده است؟ مجاهدین خلق مستندند:

«بسی دست مجاهدین خلق و صلب آزادی از آنها، یعنی بازگذاشتن دست امریالیسم برای غارت خلق و لختن بدوش به امریکه»

پس چنین نیامرند، مجاهدین به همان جایی می‌رسند که آنگون رسیدند. اگر هر نیروی مترقی و انقلابی یا چنین معیاری به انقلاب بسیار بی‌فایده خواهد بود. خنثی‌سازی امریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران در تشریح مجاهدین خلق نیست. آیا مجاهدین خلق ملت‌نشین را که، تشریح‌ارگان آنها چنین با هم‌زیان، ارگان لیرالها، هم‌مضمون گفته است، از خود سئوال کرده‌اند:

«بیشک برخورد‌های انصاف‌طلبانه و قهری، زبان‌های جدی به انقلاب‌بازر ساخته، و دشواریهای اضافی در مبارزه حیاتی نیروهای انقلابی امریالیسم آمریکا، پندیده آورده‌اند. بیشک به‌دور کردن قابلیت ضدامرالیستی مجاهدین خلق که در راستای همین برخورد‌های انصاف‌طلبانه عمل آمده، نیز عملی بزیان انقلاب بوده است. اما ملت‌نشین این نارسائیه، قرار گرفتن در جبهه لیرالیستی که «آزادی» سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را برای خنثی کردن آزادی کارگران و دهقانان و خلق محروم و مستکین می‌خواهند و با دفاع از مناسبات طبقاتی کهنه، مرجع‌ترین نیروها محسوب می‌شوند، و دامن‌زدن به تفرقه و تفراق و تحریکات و تحجرات و درگیریها، اقدام است. مستقیما به سود ضدانقلاب.

مردم شوروی

بقیه از صفحه ۱

شوروی، که در زمینه احداث کارخانه خوب آن استعجاب به ایران کمک کرده، همچنین گروهی از کارشناسان خود را برای تجسس و اکتشاف منابع ذغال سنگ و مواد خام مورد نیاز این کارخانه به ایران فرستاده. آنگون بیش از ده سال است که دهها کارشناس شوروی، همراه با کارشناسان ایرانی، به‌اکتشاف منابع ذغال سنگ ایران در شمال، در کزوم های البرز، در فلات کرمان و در سحرای ایران مرکزی مشغولند. این کارشناسان صفا و هزاران کیلومتر پای یاده رفته‌اند. صدها کیلومتر جاه اکتشافی صحر کرده‌اند. به تحقیقات آزمایشگاهی و منشی و تئوریک تقصه می‌نصل. معاضی، که در آینده مورد استخراج قرار خواهند گرفت و پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی ایران خواهند بود. شوروی اتحاد شوروی ایران در زمینه اکتشاف، معادن ذغال سنگ و دیگر مواد خام برای افزایش قدرت تولید کارخانه ذوب آهن به یک میلیون و هصد هزار تن فولاد در سال، همکاری می‌کند.

قری و پیشرفت‌صنایع، بویژه صنایع استخراج معادن، بدون آب غیر قابل تصور است. ذخایر ذغال سنگ و سنگ آهن ایران، بطور عمده، در توامی برآب متشکک است. در این زمینه، هم همکاری کارشناسان شوروی و ایسرا در رشته ژئودتزی به دستاوردهای مهمی انجامیده است. پس از کشف منابع آب در کرمان، چندین چاه تلمیخانه و لوله آب در آنجا احداث شده است. واحدهای استخراج ذغال سنگ، از لحاظ آب برای مصرف منتهی و کویهای مسکونی و شهرهای نوساز بی‌امون آنها از نظر آب

جاهه صاف‌کن ضدانقلاب‌اند. آتوقتی دودی که از برافروختن این آتش برمی‌خیزد، می‌گمان به چشم آنهاست که برای این آتش، خواسته و ندانسته می‌زند جمع می‌آورند نیز خواهد رفت. امیدیمه مبارزان راستین انقلاب ایرانی اینست که مجاهدین خلق هرچه سریعتر در روش غادرت خویش تجدینظر کنند و عملا - و نه در حرف - در صف انقلاب قرار گیرند. در شرایط حلس قملی، انقلاب از همه نیروهای مومن به آماج‌های انقلاب بیشترین مسئولیت و ختیار را می‌طلبند.

کرده ولی برای مردم شوروی که هواره علاقه‌مند به گسترش همکاری اقتصادی با ایسراان بوده‌اند پس ناسیه‌ایست که می‌تواند پایکمی برای اجرای پروژه‌های بزرگ جدید همکاری اقتصادی ایران و اتحاد شوروی بسط شود - پروژه‌هایی که به پیشبرد هدفهای مردم ایران در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کمک خواهد کرد.

مردم شوروی مراتب‌بسیاری خود را از انقلاب ایران ابراز می‌دارند و اعلام‌کنند که در آینده نیز مناسبات خود را با همسایه جوی خوش گسترش دهند.

در پیش‌توس «رقعه ترقی و پیشرفت آتی اتحاد شوروی» که آنگون در کشور ما باره آن بحث‌میشود، همچنین از گسترش روابط اقتصادی اتحاد شوروی با کشورهای رشد‌یافته سخن می‌رود و گفته می‌شود که اتحاد شوروی در آینده نیز با احداث واحدهای صنعتی و کشاورزی و نیروگاهها و قیر و کک‌های اقتصادی خود، به تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی این کشورها کمک خواهد کرد. همه این مطالب در مورد همکاری میان اتحاد شوروی و ایران نیز صنف می‌کنند.

این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی می‌خوانید: خواستهای مردم سهاباد باید بطور جدی و سریع مورد توجه قرار گیرند. اهمیت تابع دیفار تونید برزف و بانوایندیرا گانه‌برای تبدیل خلق فارس و اقبانوس هند به منطقه صلح و امنیت. پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا به‌مناسبت تشکیل دومین کنفرانس حزب کمونیست کوبا - با کویا موسیالیستی آشنا شود. اعلامیه مشترک سازمانهای دانشجویان منطقه به پشتیبانی از انقلاب بزرگ مردمی ایران - اعتراضی اضافه بر تقاضاستاد و مدارک موجود: قسلاو: عراق به همان اندازه به ما وابسته است که ما به لویه.

نامه «مردم» بزبان کردی هر هفته سه‌شنبه منتشر می‌شود

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود.

حزب کمونیست فرانسه شصت ساله شد

در پاریس، بنام شصتین سالگرد تأسیس حزب کمونیست فرانسه، مجلس جشنی برپا شد. در این مراسم اعضای سابقه و فعالان حزبی و نمایندگان پارلمان شرکت داشتند. ژورناله دیرکت حزب کمونیست فرانسه گفت که حزب کمونیست فرانسه همواره از عدالت و آزادی حمایت کرده و در راه خلع سلاح، صلح، تخفیف تنجانات و همزیستی مسالمت آمیز، بیگانه کرده است.



پراودا: لهستان جزو لاینفک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی سوسیالیسم بوده و هست

به رهبران «ناتو» حوادث لهستان را دستاویزی برای افزایش تنش و تشدید مسابقه تسلیحاتی کرده اند

روزنامه پراودا، ارگان کبیت مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیرامون رویدادهای لهستان و دخالت پیمان ناتو در امور لهستان مقاله ای ترحم کرده است. در این مقاله ضمن تأکید بر این که لهستان کشوری است که جزء لاینفک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی سوسیالیسم بوده و هست، بررسی اوضاع لهستان در اجلاس اخیر پیمان ناتو در بروکسل را فتنه جویی خطرناک نام نهاده است. پراودا از جمله نوشت:

تاگر کشورهای سوسیالیستی اوضاع یکی از کشورهای عضو پیمان ناتو را در چارچوب پیمان ورشو بررسی می کردند و نظر خود را در باره مسائلی که باید در این مورد حل شود و دیگرگونیهایی که باید انجام گیرد بیان می داشتند به آسانی می توان تصور کرد که پیمان آتلانتیک شمالی چه عکس العملی در این مورد نشان می دهد و این عکس العمل در صورتی که سازمان پیمان ورشو برای مقابله با اقتصاد شکنه و یا دیگر رویدادهای داخلی به تمرین مداخله مسلحانه خود می پردازد، چه جنبه ای به خود می گرفت.

پراودا همچنین تأکید کرد که نیروهای مسلح پیمان تجاوزکار ناتو طرح های مداخله نظامی را که گویا باید در صورت بروز وضع بحرانی در کشورهای اروپای خاوری عملی شود، مورد بررسی و اصلاح قرار داده اند.

ارگان کبیت مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ضمن اشاره به اینکه اگر اوضاع در لهستان از حیطه تسلط دولت و حزب متحد کارگری لهستان خارج شود، بالطبع سران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. نوشت:

«گرداندگان پیمان ناتو، برای پوشاندن پشتیبانی محافل امپریالیستی از نیروهای در لهستان، که علیه نظام سوسیالیستی و مقامات

یانو گاندی تلاشهای تشنج طلبانه امریکا را محکوم کرد

دریانی و هوانی در جزیره دیه گور - گاریبا، محکوم کرد. خانم گاندی این مطلب را در پاسخ پیام تشنج طلبانه مارلیک رهبر انجمنی اعلام کرد. زهر انجمنی در پیام خود از توطئه های امریکا در آقیانوس هند ایراد نگهاردی کرده بود. خانم گاندی در پیام خود یاد آور شد که هند نیز مانند انجمنی از تلاش برای نظامی شدن آقیانوس

جیبه خلق برای آزادی عمان و ژنرال شاذلی از پیشنهادهای ثنوتید پرژرف استقبال کردند

جیبه خلق برای آزادی عمان و همچنین ژنرال شاذلی، دیرکل جیبه نیروهای دموکراتیک فارس، حمایت خود را از پیشنهادهای اخیر ثنوتید پرژرف دموکراتیک فارس اعلام کردند. جیبه خلق برای آزادی عمان از پیشنهادها استقبال کرد. برقراری صلح پایدار در خلیج فارس و آقیانوس هند استقبال کرد. این جیبه در بیانیه ای که در بیروت منتشر شد، پیشنهادهای پرژرف را تشابه ای از تمایل اتحاد شوروی برای از میان بردن کانونهای تشنج دانست.

همچنین ژنرال عبداللین شاذلی، دیرکل جیبه نیروهای میهن دوست عمان - جیبه ای مرکب از سه نیروهای میهن دوست و آزادیخواه مخالف رژیم ساداتین از پیشنهادهای ثنوتید پرژرف حمایت کرد. شاذلی در بیانیه ای که در عدن منتشر شد، اعلام کرد که اتحاد شوروی میچگونه منافع نفس در منطقه ندارد و هیچوقت تلاش نکرده است آبهای جنوب غریب را به منطقه نفوذ خود تبدیل کند.

نیروهای سوریه، مواضع متجاوزین اسرائیلی را زیر آتش گرفتند

رادیو دمشق اطلاع داد که سپاهیان سوریه در ترکیب نیروهای پاسدار صلح عرب در لبنان مواضع نیروهای متجاوز اسرائیلی در جنوب لبنان را زیر آتش گلوله گرفتند این رادیو به نقل از اظهارات سخنگوی وزارت دفاع سوریه اعلام کرد که تلفات

جنگ سیاسی - باز هم پر بار تر

تلویزیون

نیروهای شوروی از افغانستان بیرون بروند تا امریکا بتواند درین قباب تجاوز شوروی چهره کثیف خود را پنهان کند. این موضعگیری به نظر ما با اینکه از سر حسن نظر است، نه بیژد انقلاب است و نه تبلیغ آن به زبان امریکا، زیرا انگیزه لشکرکشی امریکایی به افغانستان و یازان اروپایی و ژاپنی اش را حضور نیروهای شوروی در افغانستان معرفی می کند. در خالیکه نگاهی به واقعیت های دو سال گذشته نشان میدهد که نلواکان امریکا چندان دانه اند و به اهداف خلیج فارس آمده اند. علاوه بر باید رسید که در ۲۵ سال گذشته ما نیروهای شوروی در افغانستان حضور داشته اند، که امریکایی جپانی، پمتر کردگی امریکا، به غارت مستقیم منطقه مشغول بود و از جمله همین ما را به بزرگترین پایگاه نظامی خود تبدیل کرده بود. امیدواریم تهیه کنندگان برنامه یا وقت و وسایل بیشتری در این قبیل مواقع موضع گیری کنند.

«جنگ سیاسی» این هفته شبکه اول تلویزیون، که توسط «گروه سیاسی سیمای جمهوری اسلامی ایران» تهیه می شود از هر هفته پربارتر بود. برنامه شامل ۶ قسمت بود. در اولین قسمت خوشبختانه یکی از تصاویر برنامه گذشته، که آنرا تذکر داده بودیم، برطرف شد و با پخش ادعای خبرنگار آمریکایی و پدینال آن فیلم تاجم پلیس امریکا به دستجویان ایرانی، ماجت سخنان خبرنگار افشا شد. قسمت دوم برنامه به قیام شیخ عزالدین قسام، انقلابی فلسطینی، در سال ۱۹۳۵، علیه انگلیسها اختصاص داشت، که بسیار افکارانه و موثر بود.

علاوه بر تصدیق غریب بودن تحلیل از اوضاع سیاسی ایران در یک هفته گذشته، در قسمت چهارم تحلیل کاملی از بلاتربس ستر ثنوتید پرژرف به هند ارائه شد. در خالیکه کوبیده مترقی بود که حزب «جاناتان» یعنی حزب سرمایه داران بزرگ هند هنگامیکه قدرت را در دست داشت، به امریکا نزدیک شد و یا اینکه تظاهرات این حزب علیه ثنوتید پرژرف را به بهانه افغانستان، بسیار برجسته کرد و روی آن تکیه نمود. در دنباله این قسمت، بعد از اعلام روشی طرحی که ثنوتید پرژرف برای برقراری صلح در منطقه اعلام کرده گفته شد که امریکا، اروپای غریب و ژاپن با این طرح مخالفت کرده اند و سپس موارد حمایت از این طرح در منطقه شمرده شد. نفس جدی این قسمت، علاوه بر حذف نظر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، این موضعگیری نابورست بود که: «فیشنها ظاهرا ارزنده به نظر می رسد اما حضور نیروهای شوروی در افغانستان مانع اجرای طرح است. برای اجرای طرح باید

قسمت سوم برنامه، «آفریقا در تلاطم» نام داشت. در این قسمت تقاضای امریکایی آمریکا و اروپایی در کودتا علیه دولتهای انقلابی آفریقا و کشتار و استثمار خلق های این قاره افشا شد. در مورد مقایسه رویدادهای اخیر گینه بیسائو با کودتای امریکایی علیه قوام نکرده در غنا و یکسان نشان دادن آنها، ماحوز اطلاعاتی دقیق درباره رویدادهای گینه بیسائو نداریم. تا بتوانیم قضاوت قلمی در این زمینه بکنیم، فیلم و تحلیل ارائه شده در این قسمت درباره اوگاندا، با واقعیت منطبق بود و شعر موزامبیکر قبلی که در ضمن آن نشان داده شد، از بهترین قسمت های برنامه این هفته بود.

قسمت های پنجم و ششم برنامه درباره «اوپاک» و آخرین بودجه امریکاهم بسیار آموزنده بود.

امیدواریم در هفته آینده تحلیل اوضاع ایران از یاد تهیه کنندگان برنامه نرود.

سیستم دوزخی امریکا

مانند روشنفکران غیر مارکسیست امریکا، حتی منقد سیستم هم نیست و تشابه کن توجه دارد با این واقعیت غنی، از تانین زوررو میشود یا باید تسلیم شود یا کشته شود. گروهان هم از بیلا یا این وضع زوررو میشود. هر دو تشابه بیلا یا تشابه تشبیه می کنند که مبارزه کنند. نتیجه و نیرومندی بنیست می آید یا توجه به سیستم امریکایی و برتری کبیت مبارزه مفری زورتن است. پرفورود کبیت می شود. تکلیفان که در قریه خاوری روابط زندان را بنیست آورده از طرف رئیس زندان دعوت می شود که به یک گزارشی، که در آن نامی از دز قریه نیست، ماجرا را قراوش کند. تکلیفان نمی بیند و می گوید که ماجرا را افشا خواهد کرد. رئیس زندان با اعتماد کامل می گوید: «تبا خواهی ماند، تبا تبا، تبا!»

در همان اتوبوسی که پروفورود و یک جوان کم سن و سال را به یکی از بزرگترین زندانهای امریکا میرسد گروهان هم به زندان بیرونه تا کار خود را آغاز کند. زندان بزرگ نمونه کوچک جسامه امریکاست. همه چیز الکتریکی است. حتی در سلولها با استفاده از تکنولوژی مدرن باز و بسته میشود. کلیسا هست، داروخانه هست، ورزشگاه هست، اما آنچه بر این شکل، پشرفه حاکم است، همانا «محتوای سیستم سرمایه داری» یعنی فساد و تباهی است. اداره زندان به دست گانگستری است که مواد مخدر بین زندانیان پخش می کند و به پیشوایان گوناگون آنها را استثمار می کند. هر زندانی تازه وارد یا باید در این سیستم بتواند استثمار شوند و یا دست بالا، شریک استثمار جا بگیرد، و یا ببرد. همین آسانی، گانگسترها و بیسته رئیس تکلیفان و رئیس زندان، که در سود حاصله شریک هستند، حمایت می شوند. سیستم سرمایه داری از گانگستریه که او را به خاطر ارتکاب جنایت پزندان نامشروع محکوم کرده، در داخل زندان استفاده می کند و سود می برد.

سختی شب گذشته، سیاسی جمهوری اسلامی - شبکه دوم - قبلی به کارگردانی «توم کرای» و به نام «خانه شیشه ای» را پخش کرد. این فیلم، که بر اساس یک داستان نویسنده معروف آمریکایی «توم کاپوت» ساخته شده، پرده از سیستم دوزخی امریکایی امریکا بر میدارد و نشان میدهد که این سیستم چگونه در تار و پود خوره انسانها را به فساد و تباهی می کشاند و به تنهایی راه که برای نجات خود دست به مقاومت بزنند، به آنان مرگ می فرستد. از آنجا که امریکایی خیری با استفاده از امکانات عظیم خود و بر بنیاد ۱۵۰ سال تبلیغ فستریک ضد کمونیستی، می گویند هر انتقادی از سیستم سرمایه داری امریکارا با برچسب کمونیسم، در نزد توده های ناآگاه این کشور بر افتار کند، نویسنده کارگردان یا هویتبازی تمام افشا - کنندگان سیستم را از فاسد اصلی حان سیستم بر گردانند:

بیجاست از مسئولین شبکه دوم تلویزیون برای پختن این فیلم تکان دهنده تشکر کرد.

قتل عام «شاین» ها توسط یانکی های «بشر دوست»!

کبیه آرزوی تدارک، بگذارید! شمال بروید قلب ما در آرزوی وطن مرتد و آنها ما را به گلوله بنهند. و بدینسان یک قیله دیگر از سرخوستان، یعنی از یک خانواده، قتل عام شدند. باید گفت که این سریال، یکی از بهترین برنامه های تلویزیون است که در آن هم سابقه جنایات و تکرارها در سرزمین امریکا قلم می شود و هم اقتضای ارتباط تکاتک این جنایات با ساقه سرمایه داری در حال رشد امریکای پیش از پیش منجبت سرمایه داری را رسوا میکند. یکی از ویژگی های این برنامه، علاوه بر زحمت زیادی که برای تهیه آن از نظر یافتن منابع و بویژه فیلم هایمیل می آید، صدای گرم «سین یانکی» است که نبوت قلم را در بعضی از قسمت های برنامه جبران میکند و در تألیف برنامه اثر قلمی دارد.

دو شبیه شب گذشته، قسمت دیگری از مجموعه تلویزیونی سرخوستانهای امریکای پشرفه از شبکه اول سیاسی جمهوری اسلامی ایران پخش شد. سریال سرخوستانهای امریکای برنامه ای از «گروه جوان» تلویزیون است و توسط حسین احمدی و هوتنگشاه معصوم تهیه میشود و نویسندگانشتر آن اکتبیه علیسی است. در این قسمت قبلا هم یکی از مرفترین قبایل سرخوستان کروک آمریکایی اختصاص داشت. در این قسمت نشان داده شد که چگونه در سال ۱۸۹۰ ژنرال کروک امریکایی، نماینده کار سرمایه داری رویه رتد امریکایی - تنالی، که بیوست منابع و زمین های تازماری را طلب میکرد، به شاین ها حمله کرد. بعد از کشتار گروهی از سرخوستان بیگانه، قراردادی به آنها تحویل شد که، طبق آن، باید زادگاه خود را ترک میکردند

یک پروفورود دانشگاه، که حقوق سیاسی تدوین می کند و بدینال یک قتل غیرعید به زندان اندامه و یک گروهان، که در جنگ و رشام هم شرکت داشته و حتی دوام هم در سایگون زندانیان بوده، افشاگران سیستم دوزخ امریکاهند.

دیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا:

امریکا تهدیدلی جلدی علیه خلقهای خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

توری عبدالرزاق، کتیل دیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع تشنج کونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انتحار آمیز کونی در خلیج فارس نتیجه سیاست توسعه طلبانه امریکایی جهانی، به سرکردگی امریکاییست» توری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده ایم که توتوت حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و آقیانوس هند و ساختن پایگاههای نظامی در جمله پایگاه دیگو گارسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاه های عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بتواند منطقه خلیج فارس، امریکای تهدیدی جلدی علیه خلقهای خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است»

وی یادآور شد: «تشکیل باصلاح سپاه واکنش سریع از سوی امریکا برای مداخله نظامی مستقیم در منطقه می تواند حاکمیت و استقلال کشورهای خاورمیانه را جدا بخطر اندازد. این اقدام تفر فاحش موازین بین المللی است» دیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا افزود: «مردم خلیج فارس، مانند دیگر نیروهای ترقیخواه جهان، این تحولات را با تکرانی دنبال می کنند. محافل ترقیخواه جهان نسبت به پیشنهادهای اخیر صلح ثنوتید پرژرف، واکنش مثبت نشان میدهند»

نامه مردم
از کان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
توسیع پیرزادی
شعبان نامه ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست!

NAMEH MARDOM
No. 402
23 December 1980

Printed:
West-Germany
0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مناسبات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

مستوفق پستی
۱۳۵۹، منطقه
۱۴ پستی تهران